

ترامپسیسم



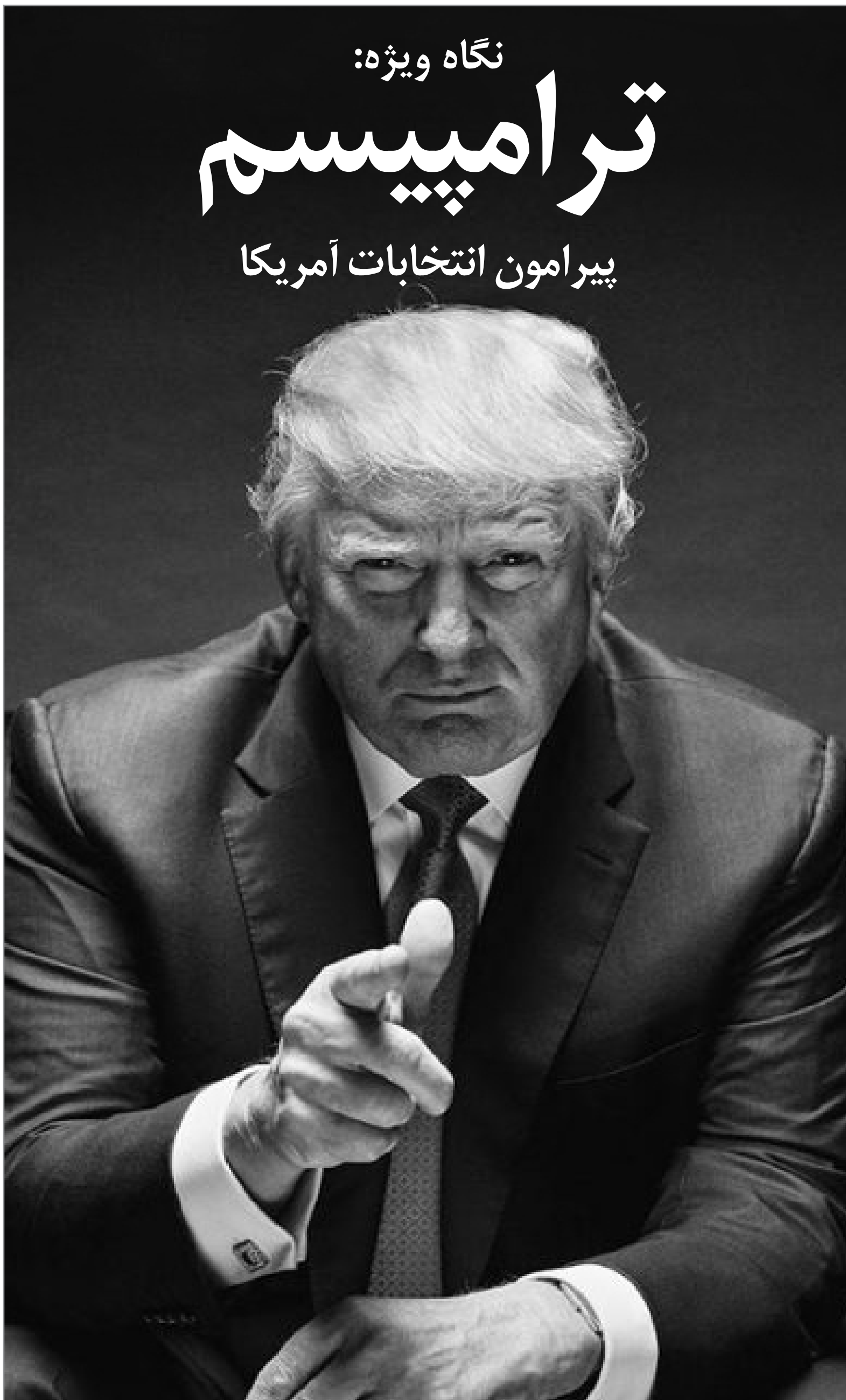
محمد محبی
 دکتری علوم سیاسی ۹۲

جمهوریخواهان آمریکا به یک پیروزی تاریخی در انتخابات ۸ نوامبر ۲۰۱۶ دست یافتند و تمام قوای حکومتی را به تصرف خود در آوردند. کاخ سفید، مجلس نمایندگان، مجلس سنا و به زودی قوه قضائیه. از ۹ قاضی دادگاه عالی فدرال آمریکا، یک نفر به تازگی فوت کرده است. در حال حاضر بعد از فوت قاضی آنتونیو اسکالیا و خودداری جمهوریخواهان از رأی به جایگزین پیشنهادی اوباما، کرسی این قاضی خالی است. قطعا سناتورهای جمهوریخواه با هم وقت تلف خواهند کرد تا ترامپ مراسم تحلیف را بجای آورد و قاضی نهم دادگاه عالی فدرال را معرفی کند و بدین ترتیب جمهوریخواهان، اکثریت این دادگاه مهم را نیز کسب خواهند کرد. یعنی با این حساب، کشور آمریکا، یکی از قرمزترین دوره‌های تاریخی خود را آغاز کرده است (رنگ قرمز، رنگ حزب جمهوریخواه است) اما این انتخاب چه پیامدهایی در سیاست داخلی و خارجی آمریکا خواهد داشت؟ و دنیای پساترامپ، چه شکل و فرمی خواهد داشت؟ ترامپ و جریان همسوی او در غرب، خواهان «دیوار» و فرار از مشکلات جهان هستند، خسته از اختلاط با دیگر ملل و دیدن پیشرفت آنها می‌باشند و در پی «ترک دنیا» و ساختن «آن دیوار لعنتی» (شعار این جریان اجتماعی در غرب) هستند. آمدن او و امثال او در آینده در کوتاه مدت، یعنی باز گذاشتن دست اقتدارگرایان و نوکیسه‌ها در دنیا (البته با اغماض)، ترامپ نماینده جریانی اجتماعی است که می‌خواهند به خانه‌هایشان در غرب پناه برده و با دیگران قطع ارتباط کنند. ولی آنها نمی‌دانند که «دیوار»، کسی را ایمن نمی‌کند و نهایتاً «زوال» و روبرو شدن با دشمنان در خانه را به ارمغان می‌آورد. آمدن ترامپ شاید تنها یک فایده آن هم به صورتی مبهم داشته باشد و آن تسریع «زوال» امر سیاسی و قدرت غرب و ایجاد فضایی در طولانی‌مدت برای رشد سیاسی ملل دیگر در شرایط فقدان رقیب ناهم‌تراز و فوق‌نیرومند است که البته حدس در این باب بسیار سخت است. ترامپ و امثالهم در کوتاه‌مدت و میان‌مدت چیزی جز آشوب بیشتر در جهان و خاورمیانه و افزایش سرکوب نمی‌آورند. اما در بلندمدت به نفع کشورها و ملت‌هایی خواهند بود که در نظام جدید بین الملل، زیر سایه قدرت‌های جهانی بوده‌اند. حتی اگر هیلاری کلینتون هم در انتخابات پیروز می‌شد، باز نمی‌توانست جریان «زوال امر سیاسی» در غرب را منتفی کند. این جریان آغاز شده است. اما از جهت منافع ملی ما ایرانیان تفاوتی ملموس بین دو کاندیدا وجود نداشت و هر دو طرف تقریباً به یک اندازه، برای منافع ملی ایران مضر بوده و هستند. شاید برای منافع ایران، ترامپ کمی بهتر باشد (آن هم با مسامحه). اما فراموش نکنیم که اولاً ترامپ یک هندوانه سربسته است. ثانیاً او تنها نیست و عناصر دولت او را جمهوریخواهان تشکیل خواهند داد. ثالثاً اینکه شخص ترامپ در دو برهه مواضعی سستیزه‌جویانه علیه ایران ابراز کرده؛ یکی در مورد برجام است و دیگری در مورد تقابلی قایق‌های ایرانی با ناوهای آمریکایی. او برجام را یک توافق بسیار بد تلقی می‌کند و در مورد قایق‌های تندروی ایرانی در خلیج فارس و دریای عمان می‌گوید که باید ناوهای آمریکایی به قایق‌های ایرانی در صورت نزدیک شدن شلیک کنند که این موضع بسیار خطرناک است. برخی‌ها تاجر بودن و اهل معامله بودن ترامپ را یک فرصت برای ایران می‌دانند. البته شاید درست باشد. اما فراموش نکنیم که رقبای منطقه‌ای ما بیشتر از ما ثروتمندترند و تصمیم‌سازان آنها بیشتر از سیاستمداران ما انعطاف دارند. تا با این تاجر و «بیزینس‌من» معامله کنند. لذا در مورد ایران تحول خاصی در دوره ترامپ اتفاق نخواهد افتاد. آمریکا نه توان و نه انگیزه کافی برای حمله نظامی به ایران دارد و نه ظرفیتی برای افزایش تحریم‌ها هست. ادعای ترامپ در مخالفت با برجام هم به غایت پوچ است. برجام یک سند حقوقی الزام‌آور است که به تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد رسیده است. «باره کردن» آن هیچ معنایی ندارد. به عبارت دیگر تعهد obligation دولت امریکاست و سند الزام‌آور شورای امنیت لذا ترامپ در اصل آن نمی‌تواند خدشه‌ای وارد کند. البته سنگ اندازی و امثالهم حرف دیگری است و به احتمال زیاد ترامپ و تیم او در جهت از بین بردن برجام حرکت نخواهند کرد. اما احتمالاً دست به اعمالی خواهند زد که ایرانیان را مجبور به نقض برجام کنند. به نظر می‌رسد از الان باید برای آن شرایط آماده بود و مواظب بود که کوچک‌ترین بهانه‌ای به دست آمریکا داده نشود. امکان ترمیم روابط ایران و آمریکا هم در دوره ترامپ، تقریباً منتفی است. دوره ۸ ساله اوباما بهترین فرصت برای ترمیم روابط دو کشور بود. که ۶ سال از آن را آقای احمدی نژاد هدر دادند و در دو سال آخر، فقط معجزه می‌توانست این رابطه را ترمیم کند. مشکلات رابطه دو کشور بسیار زیاد است و نیاز به فرصت و انعطاف کافی طرفین دارد. روحانی و اوباما و ظریف و کری، توان و انعطاف را داشتند. اما فرصت کافی نداشتند.

نگاه ویژه:

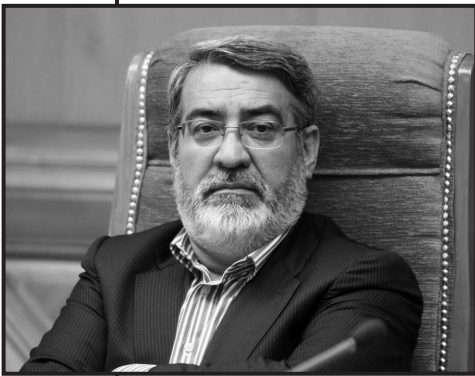
ترامپسیسم

پیرامون انتخابات آمریکا



وزیر کشور دستور داد!

وزیر کشور در دستوری به معاون سیاسی وزارت کشور خواستار تشکیل هیاتی به منظور بررسی علت لغو سخنرانی نایب رئیس مجلس شورای اسلامی در مشهد شد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی وزارت کشور، عبدالرضا رحمانی فضلی با ابراز تاسف از لغو سخنرانی آقای علی مطهری در مشهد که قرار بود به مناسبت اربعین برگزار شود، گفت: این برنامه تمامی مجوزهای لازم قانونی را از مراجع ذیصلاح دریافت کرده بود و معلوم نیست به چه دلیل در آخرین لحظات لغو گردید. وزیر کشور پابندی به قانون و مقررات کشور را از مصادیق حق الناس برشمرد و گفت: رعایت قانون برای همگان یکسان است و نباید اقدامات سلیقه ای را مبنای تشخیص قانون دانست و بر اساس قانون اساسی حوزه فعالیت قوا و دستگاه ها مشخص است و انتظار می رود در پابندی به فرامین صریح مقام معظم رهبری در قانونمندی و رعایت حق الناس، مسئولان پیشرو باشند. رئیس شورای امنیت کشور افزود: به معاون سیاسی دستور داده ام بلافاصله با تشکیل تیم تحقیقاتی این موضوع را بررسی کند و گزارش آن را ارائه دهد و در صورت تخلف و اهمال مدیران اجرایی با آنها برخورد قاطع شود و چنانچه اقدامات خارج از اختیارات دولت و وزارت کشور می باشد در قالب گزارشی به استحضار مقامات ذیصلاح برسد. وزیر کشور همچنین خبر از تهیه و تنظیم نامه ای به رئیس قوه قضائیه در این خصوص داد.



فراکسیون قومی، تهدید علیه امنیت ملی؟!!



اولین جلسه فراکسیون نمایندگان آذری زبان مجلس

از هر چیز مصالح ملی را مدنظر قرار داده و در راستای وظایف مرتبط با منطقه ای که وکالت آنان را بر عهده دارد باید ملاحظات راستین و توسعه ای آن منطقه را برای بهبود سطح بهره مندی و نیک روزی کسانی که نمایندگی آنان را احراز کرده است پی جویی کند و نه آنکه به طمع رأی آوری مجدد پای در حیطه هایی بگذارد که منافع ملی و مصالح نظام سیاسی را مورد تهدید قرار دهد. بدون شک اصرار بر در پیش گرفتن چنین رویه هایی از سوی پاره ای نمایندگان محترم چنانچه در آینده از سوی برخی نهادها به مثابه دالی برای فاقد صلاحیت دانستن آنان تلقی شود امری عجیب نخواهد بود.

سطوح عالی حکومتی اقدامی سخت ناصواب است که به حکم منافع و امنیت ملی هر چه زودتر می بایست جلوی آن را قاطعانه سد نمود. البته می توان گفت هیچ یک از نمایندگان محترمی که در اقدام مذکور دست داشته اند سوءنیتی نداشته و صرفاً این امر به دلیل بی اطلاعی از عواقب احتمالی چنین دست اقداماتی از جانب ایشان صورت گرفته است. در عین حال نمایندگان محترم مناطق آذری زبان ایران در مجلس باید متوجه این امر باشند که پای به نهادهای گذارده اند که از آن تحت عنوان «خانه ملت» یاد می شود و نه «لویی جرگه»، «خانه قومیت» و... یک نماینده مجلس می بایست بیش

علیه مصالح عالی کشور و نظام است و امکان بروز خطر تضعیف همگرایی ملی و ایجاد حس واگرایی مابین اقوام و هویت های ایرانی را افزایش می دهد. بی شک نهادهای حاکمیتی باید دغدغه جدی پیرامون تأمین نیازهای نهادین فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تمام شهروندان ایران به دور از هرگونه تبعیض قومی و مذهبی داشته باشند و در تأمین و تضمین حقوق آحاد ملت ایران در سرتاسر نقاط و چهارگوشه ایران بوده و در راستای محرومیت زدایی، افزایش سطح توسعه و تأمین مطالبات عمومی مردم مستقر در تمام استان های کشور بکوشند اما میدان دادن به قومیت گرایی و مجال دادن برای نمود یافتن شکاف های قومی آن هم در

فرهاد فرهادیان

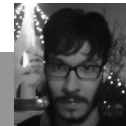
کارشناسی ارشد عمران ۹۵



شکل گیری دولت مدرن و به عبارتی بنا شدن ارتش ملی، بوروکراسی فراگیر، تعیین نمادهای ملی نظیر پرچم، زبان رسمی و... نقطه آغاز و البته مهم ترین پایه عبور از سنت به مدرنیته در حیطه «امر سیاسی» است. با گذار به مدرنیته خصوصاً در حیطه وجه سیاسی، آن شکاف هایی که در جامعه شناسی سیاسی از آن ها تحت عنوان «شکاف های اجتماعی ماقبل مدرن» یاد می شود انتظار می رود به تدریج در چارچوب و در بستر شکل گیری هویت ملی تا حد زیادی مضمحل یا کمرنگ شوند. از جمله این شکاف های اجتماعی ماقبل مدرن به شکاف های قومی می توان اشاره کرد. تشدید و تقویت شکاف های قومیتی در یک جامعه و در قالب یک واحد دولت-ملت پیامدی جز جدال های هویتی بی حاصل، تنش، بی ثباتی و در یک کلام تیره روزی و مصیبت نداشته و نخواهد داشت. امری که به عین تبعات آن را در بعضی از جوامع پیرامونی خود در خاورمیانه به شکل بارزی به نظاره نشستیم و باید از آن ها پند گیریم و از منافع و امنیت ملی میهن خویش در برابر چنین تهدیداتی حزم اندیشانه حراست کنیم. مرتبط با آنچه ذکر آن رفت متأسفانه اخیراً شاهد رویداد ناخوشایندی بودیم که از سوی پاره ای از نمایندگان مجلس رخ داد و آن تشکیل یک فراکسیون قومی تحت عنوان «فراکسیون ترک زبانان» است. خاصه این امر در شرایط حساس منطقه و جهان که مسائل هویتی در عصر جهانی شدن مجدداً به طور جدی مطرح گردیده اند و کشورها می بایست در این طوفان به پا خاسته از ناحیه مسائل سازه ای و هویتی برای در امان ماندن از صدمات، احتیاط های لازم را مدنظر قرار دهند. تهدیدی جدی

چو دزدی با چراغ آید...

درباره ی ماجرای سرقت علمی



سجاد ناصری

کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

یازدهم آبان ماه پایگاه خبری اسپرینگر نیچر با قراردادن تیتیر «بازار سیاه مقاله و پایان نامه فروشی» خبر از تعلیق ۵۸ مقاله دانشمندان ایرانی داد. تیتیری که وزارت اطلاعات هم گویا پیگیر آن خواهد بود. این قضیه که شاید در نگاه اول ساده به نظر برسد اما اگر موشکافانه به بررسی آن بپردازیم بیشتر متوجه این فاجعه می شویم. فاجعه آنجاست که اسامی افرادی در این لیست به چشم می خورد که چندان هم نا آشنا نیستند. هر چند از سوی بعضی افراد این اسامی تکذیب شدند اما قاضی زاده هاشمی وزیر بهداشت صحت این خبر را تایید کرد و عنوان کرد این کار صرفاً با هدف بالاتر بردن رتبه دانشگاه ها بوده است. البته سرقت علمی و راه انداختن بازار سیاه توسط افراد و بعضی شرکت ها برای نوشتن مقالات و پایان نامه با اهداف مختلف (که مهم ترین آن مادی است) قصه ای تکراری است که مجلس هم لایحه ای برای ممنوع کردن این کار تصویب کرده اما به نظر نمی رسد مانعی جدی در برابر این عمل سودجویانه باشد. مسلماً این اولین بار و آخرین بار نبود که در کشور مان سرقت علمی دیده شد اما نکته حائز اهمیت تغییر دیدگاه ما به علم است. اینکه ما به چه قیمتی مقاله، پایان نامه و... را به نام خود ثبت کنیم؟ کشوری که ادعای تولید علمی (نزدیک ۹۰۰ هزار مقاله در دانشگاه های مختلف) دارد با تقلب و این نوع رسوایی خود را در زمینه ای علمی بدنام خواهد کرد. با این حال حتی اگر در بین میلیون ها نفر در کشور که در مجامع علمی هستند یا به تولید علم می پردازند، اگر عده ای قلیلی به هدف خود برسند و نتیجه ای مثبت کسب کنند، علم صادقانه پیشرفت خواهد داشت.

هم سوئی با دشمن یا انجام وظیفه نمایندگی؟!!



سجاد نامور

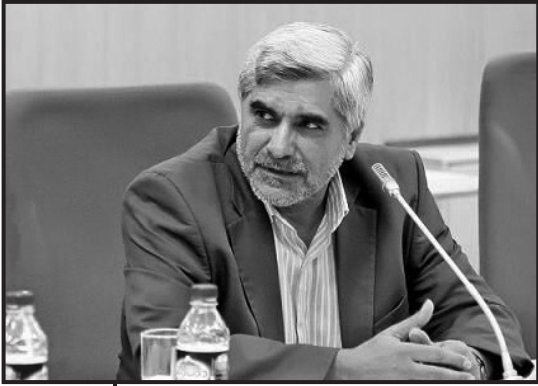
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

روز شنبه ۲۵ مهر ماه، شماری از نمایندگان مجلس با ارسال نامه ای به آیت الله املی لاریجانی رئیس قوه قضائیه خواستند که شخصاً درباره پرونده نرگس محمدی که به ۱۶ سال زندان محکوم شده تصمیم بگیرد و بر اساس رأفت اسلامی و با توجه به ایرادات حکم صادره، نسبت به تقاضای نقض حکم و رسیدگی مجدد در شعبه هم عرض، دستور اقدام مقتضی صادر کند. این نمایندگان با اشاره به فعالیت های نرگس محمدی در حوزه حقوق زنان اعلام کرده اند که صدور چنین احکامی برای منتقدان به نتیجه ای جز بالا بردن هزینه انتقاد سالم نمی انجامد. نویسندگان این نامه تأکید کرده اند که صدور این احکام موجب دوری منتقدان از کشور و حاکمیت و باعث رکود جامعه می شود. اما دو روز بعد، دادستان کل ایران با انتقاد از نامه نمایندگان مجلس برای بازنگری در پرونده قضایی نرگس محمدی، این اقدام را همسوئی و همصدایی با دشمن خواند و نمایندگان امضاکننده نامه درباره نرگس محمدی را مسئولانی دانست که به گفته او «نادانسته و از روی جهل و غفلت حرکت هایی می کنند». محمد جعفر منتظری دادستان کل کشور که در کنگره ۳۰۰۰ شهید استان خراسان شمالی در بجنورد حضور یافته بود اظهار داشت: «این افراد که نمایندگان مجلس خواستار حمایت از آن ها هستند پرونده هایی دارند که از وضعیت مناسبی برخوردار نیست و نمایندگان قبل از نوشتن نامه در حمایت از این افراد، وضعیت پرونده آن ها را بررسی کنند و آن را مورد بررسی قرار دهند». آقای منتظری با دفاع از عملکرد قوه قضائیه نیز گفت: «اگر قوه قضائیه اسناد تخلف این افراد را بر ملا نمی کند دلیل این نیست که انسان های خوبی هستند.» نرگس محمدی پیشتر در اردیبهشت ماه به اتهام «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی کشور» به پنج سال زندان، به اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» به یک سال زندان و در مورد اتهام «تشکیل و اداره گروهک غیرقانونی لگام» به تحمل ۱۰ سال زندان محکوم شده بود که با اجرای ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مجازات اشد یعنی ۱۰ سال حبس اجرا خواهد شد. اما آیا درخواست برخی از نمایندگان مجلس ایران از رئیس قوه قضائیه برای پیگیری و تقاضای نقض حکم صادره علیه نرگس محمدی با توجه به ایرادات حکم

مذکور و رسیدگی مجدد در شعبه هم عرض را می توان حمایت از یک مجرم و به گفته دادستان کل همسوئی و همصدایی با دشمن تلقی کرد یا این درخواست نمایندگان را می توان اقدامی در جهت وظایف نمایندگی محسوب نمود؟ در متن نامه ای که نمایندگان مجلس به رئیس دستگاه قوه قضائیه نوشته اند آمده است که نرگس محمدی که هم اکنون دوران محکومیت خود را در زندان می گذراند مدت ها است از دیدار دو فرزند خود محروم بوده است و از سوی دیگر وی از بیماری های آمبولی ریه و فلج عضلانی رنج می برد و متأسفانه تاکنون اقدام موثری برای معالجه او صورت نگرفته، در صورتی که بارها پزشکان بر لزوم بستری شدن او تأکید داشته اند. در این نامه از رئیس قوه قضائیه درخواست شده است که خود وارد این پرونده شدند. در این باره باید گفت این درخواست نمایندگان بر اساس ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری نسبت به تقاضای نقض حکم و رسیدگی مجدد به پرونده می باشد بنابراین بر خلاف صحبت جناب آقای منتظری، نوشتن نامه توسط نمایندگان مجلس و درخواست نقض حکم صادره علیه نرگس محمدی با توجه به ایرادات حکم مذکور و رسیدگی مجدد، نه تنها حمایت از یک مجرم و هم سوئی و هم صدایی با دشمن تلقی نمی گردد، بلکه دقیقاً اقدامی در جهت ایفای وظیفه نمایندگی می باشد.



وزیر علوم اعلام کرد: وجود ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار صندلی خالی در دانشگاه‌های کشور!



وزیر علوم، تحقیقات و فناوری گفت: در حال حاضر یک میلیون و ۲۰۰ هزار صندلی خالی در دانشگاه‌ها وجود دارد که با احتساب دانشگاه آزاد، با حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار صندلی خالی مواجه هستیم. به گزارش ایسنا، دکتر محمد فرهادی، روز شنبه در سفر به کردستان در جمع رؤسای دانشگاه‌های استان، اظهار کرد: امسال ظرفیت پذیرش همه دانشگاه‌ها بجز دانشگاه آزاد، حدود ۸۰۰ هزار نفر بود که حدود ۸۴۰ هزار نفر برای کنکور ثبت نام کردند. وی با بیان اینکه کمتر از ۸۰۰ هزار نفر سر جلسه کنکور حاضر شدند، افزود: در نهایت ۵۰۰ هزار نفر در فرآیند انتخاب رشته شرکت کردند. وی ادامه داد: با توجه به اینکه جمعیت جوان کشور کاهش یافته است، روند کاهش دانشجو تا چند سال آینده نیز ادامه خواهد داشت. وی با اشاره به گستردگی بی‌رویه دانشگاه آزاد و پیام نور طی سالیان اخیر، تصریح کرد: اگر دانشگاه پیام نور به مسیر اصلی خود که جذب دانشجو به صورت غیرحضور و مجازی است برگردد، می‌تواند ۲ میلیون دانشجوی غیرحضور را داشته باشد. وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در ادامه سخنان خود، به تدوین طرح آمایش آموزش عالی اشاره و تصریح کرد: در برنامه ششم و طرح آمایش بر آموزش‌های فنی‌حرفه‌ای و مهارتی تأکید ویژه‌ای شده است و این یکی از سیاست‌های اصلی وزارت علوم است.

دکتر جوان جعفری در گفتگو با وقایع اتفاقیه: سفیر فرانسه به کسی توهین نکرد.



مقابل نیز حدودا هیاتی ۱۲ تا ۱۴ نفره داشت. از اداره بین‌المللی دانشگاه و برخی دیگر از مسئولان نیز در این جلسه حضور داشتند اما در سالتی برگزار شد که تنها ۸۰ نفر ظرفیت داشت و ما برای همین تعداد نیز مشکل داشتیم اما با این حال تعدادی از دانشجویان دکتری علوم سیاسی دعوت شدند تا در این جلسه حضور داشته باشند و بتوانند از چنین بحث و تبادل نظری استفاده کنند. متأسفانه هنوز دانشکده علوم سیاسی به تجهیز کامل نرسیده و به دلیل اینکه آنجا آنطور که باید و شاید تکمیل نشده، نشست را در دانشکده علوم اداری برگزار کردیم. اگر هم قرار بود در آمفی تئاتر برگزار کنیم دیگر جلسه از حالت بحث و تبادل نظر خارج می‌شد و تبدیل به سخنرانی می‌شد. در خصوص تجمع

شروین رمضانی
کارشناسی ارشد مهندسی عمران ۹۳



۱۹ آبان‌ماه سفیر فرانسه در ایران به دانشگاه فردوسی مشهد آمد تا در نشستی به میزبانی اساتید دانشکده حقوق و علوم سیاسی به بحث و تبادل نظر بپردازد. این نشست اما خالی از حواشی نبود، از فراهم نبودن شرایط برای حضور دانشجویان در این جلسه (البته نماینده معترضین با یک سری رفتارهای خاص وارد جلسه شد و سوال خود را در حضور سفیر فرانسه مطرح کرد) تا اعتراض جمعیت محدودی از دانشجویان نزدیک به جریان اصولگرایی در مشهد، همه و همه در کنار یکدیگر، سوالاتی را در ذهن متبادر می‌کند که در این شماره آنها را با دکتر جوان جعفری رئیس دانشکده علوم اداری در میان گذاشتیم. جوان جعفری در رابطه با حضور سفیر فرانسه و اینکه اصلا چه سلسله مراتبی طی شد تا وی در دانشگاه فردوسی حاضر شد، اظهار کرد: درخصوص حضور سفیر فرانسه در دانشگاه فردوسی باید بگویم که اصلا در این بحث ما تصمیم‌گیرنده نبودیم. طبق هماهنگی میان سفارت فرانسه و وزارت امور خارجه کشورمان، تقاضایی توسط خود سفارت فرانسه صورت گرفته بود که از دانشگاه فردوسی بازدید داشته باشند، ضمن اینکه در این سفر بازدیدی نیز از دانشکده حقوق و علوم سیاسی فردوسی در برنامه‌شان باشد و بتوانند با اساتید این دانشکده دیدار و صحبتی داشته باشند. وزارت خارجه نیز این خواسته را به دانشگاه اعلام کرد و پس از آن نیز این درخواست به ما ارجاع شد. در این رابطه هماهنگی‌های لازمه نیز با مسئولان استانی و شورای تأمین استان هم صورت گرفت و در تاریخ اعلام شده نیز پذیرای سفیر فرانسه بودیم. وی در خصوص عدم ارائه ویزا به یکی از اساتید دانشگاه فردوسی توسط کشور فرانسه، گفت: من این موضوع را برای نخستین بار است که می‌شنوم. البته عدم یا صدور ویزا امری طبیعی است و روزانه صدها نفر از این فیلتر گذر می‌کنند

برخی عناصر در رابطه با حضور سفیر فرانسه در دانشگاه فردوسی نیز باید بگویم به هر حال باید بپذیریم که برخی سلاقی و برخی روش‌ها وجود دارد که متفاوت است. طبیعتا اگر ما بودیم فکر نمی‌کردیم برای برگزاری چنین نشست علمی نیاز به چنین اقداماتی باشد. اما شاید برخی از دوستان فکر می‌کردند که چنین روش و معرفی صحیح‌تر است اما به شخصه فکر می‌کنم معرفی بیشتر و بهتری می‌شد از دانشگاه انجام داد اما احتمالا برداشت این گروه به این ترتیب بوده که باید اعتراض خود را به این شکل بیان می‌کردند. وی در رابطه با ادعای برخی سایت‌ها مبنی بر بی‌احترامی سفیر فرانسه به معترضان و برخورد غیر دیپلماتیک سفیر گفت: متأسفانه باید بپذیریم که بی‌اخلاقی رسانه‌ای در حال غالب شدن است. از ابتدا تا انتهای حضور سفیر فرانسه در کنار وی بودم. یک سری تجمعات در دانشکده بود که ایشان بدون توجه خاص به این موضوع و صحنه‌ها رد شدند. پس از آن در فضای باز وی در حالی که در کنار هیات همراهش بود، سیگارش را روشن کرد که متأسفانه از این صحنه‌ها با فوتوشاپ طرحی ساخته شد و تیترو زده شد مبنی بر دهن کجی و توهین سفیر فرانسه به اعتراضات. اگر منظور این است که باید تأکید کنیم چنین اتفاقی نیفتاد و ایشان بدون توجه به اعتراضات رفت. دانشگاه تعاملات بین‌المللی را در حد گسترده‌ای آغاز کرده، اما دعوت از سفیر و چنین افرادی کار خاصی است. گام اول، درخواست خود سفیر برای حضور در دانشگاه مربوطه است. دانشگاه فردوسی به تعبیری بین سه دانشگاه برتر جامع کشور است، تفاهم‌نامه‌ای میان دانشگاه و سفیر فرانسه امضا شد و انشالله طبق وعده‌های مطرح شده قرار بر این شد تا همکاری لازمه صورت گیرد تا زمینه همکاری گسترده‌تر دانشگاه فردوسی و دانشگاه‌های فرانسوی در تولید علم و پژوهش فراهم شود. گفتگوی ما با دکتر جوان جعفری در اینجا به پایان رسید اما در انتها باید گفت عدم موضع‌گیری تشکل‌های دانشجویی با سلاقی و تفکرات متفاوت در خصوص این مسئله قابل تأمل است.

بلوکی (صاحب کافه کلاس) در گفتگو با وقایع اتفاقیه:



بهنام غلامی
کارشناسی دبیری شیمی ۹۲



در چند روز گذشته خبری مبنی بر آن که «کافه کلاس» دانشکده مهندسی دانشگاه فردوسی تعطیل شده و با اعتراض دانشجویان در صفحات مجازی و جمع کردن حدود ۶۰۰ امضا همراه شده است نقل محافل دانشگاهی شد. به همین دلیل مصاحبه‌ای با آقای بلوکی مسئول کافه کلاس انجام شد که بدین شرح است:

در سال ۹۳ با صحبتی که با مسئول تریا دانشکده مهندسی داشتیم بنا شد تا در کنار تریا به فعالیت بپردازیم و ماه‌های بهمن و اسفند را در کنار تریا گذرانیم و به دلیل درخواست دانشجویان و با صحبت با مسئولین قرار شد به دانشجویان در داخل دانشکده خدمات عرضه کنیم. در سال ۹۴ امضا قرارداد کتبی از طرف دانشکده فعالیت خود را ادامه دادیم ولی تا این زمان هیچگونه اسمی به نام کافه کلاس وجود نداشت. بعد از استقبال خوب دانشجویان و جدایی از شریک سابق هر دو ما درخواستی را برای ادامه فعالیت ارائه دادیم که با هر دو درخواست موافقت شد و میزان اجاره برای هر غرفه نسبت به سال گذشته ۱۰۰ هزار تومان افزایش پیدا کرد. هدف من فقط فروشندگی نبود بلکه با طرح‌های خوب و جدید سعی کردم کیفیت را افزایش دهم و این کافه را به یک برند تبدیل کنم به همین دلیل طرح و نامی را برای آن انتخاب کردم و از اینجا بود که نام کافه کلاس به وجود آمد. بعد از ماه مبارک رمضان و تعطیلات تابستان با صحبت‌هایی که با مدیر مالی دانشکده جناب آقای شوشتری داشتیم بدون امضای قراردادی شروع به فعالیت کردم و شریک سابق هم دیگر آنجا فعالیت نمی‌کرد و اجاره هم به میزان ۲۰۰ هزار تومان افزایش یافته بود. در مهر ماه به

این زمان دانشجویان پیگیر بودند که با تجمع بتوانند کافه کلاس را بازگشایی کنند ولی من به دروغ در صفحه اینستاگرام اعلام می‌کردم که شرایط خوب است چون تجمع هیچ سودی برای طرفین نداشت. در آخرین جلسه آقای شوشتری گفتند بنا بر شرایطی باید به خانم‌ها و آقایان به صورت جداگانه سرویس ارائه دهید و برای این کار مکان دیگری را در داخل دانشکده به شما اجاره می‌دهیم و چون از لحاظ مالی برای من اجاره کردن محل و گرفتن وسایل جدید امکان‌پذیر نبود رسماً در پیج اینستاگرام اعلام کردم که کافه کلاس تعطیل شد...

به نظر من جلوه خوبی نداشت و من واقعا علت این تذکرها را نمی‌دانستم. در تاریخ ۳ آبان ماه آقای نیازی آمدند و به بنده گفتند که «من گفتم که نباید به دانشجویان سینی بدهید و زمان ما از این برنامه‌ها نبود که در محیط آکادمیک دانشجویان قهوه بخورند!» بعد از این ماجرا من تقاضای تخلیه دادم و عنوان کردم که با این وضعیت ادامه فعالیت و همکاری امکان پذیر نیست و چراغ کافه کلاس را خاموش کردم. چند روز بعد تقاضای بازگشایی مجدد را به مسئولین ارائه و به صورت کتبی عذرخواهی کردم و قرار شد که در جلسه هیئت ریسه مطرح شود و در

خوبی خدمات ارائه دادیم تا زمانی که تذکرات زیادی از سوی مسئولین به من داده شد. به عنوان مثال سر و صدای زیادی که آسیاب قهوه ایجاد و برق زیادی که مصرف می‌کند که من هم در جواب آن گفتم لازمه کار من آسیاب قهوه است. در تذکر بعدی به من گفتند که به دانشجویان سینی ندهید و من با توجه به اینکه دانشجویان واقعا نمی‌توانستند با وسایلی که در دست دارند قهوه یا چایی میل کنند سینی را به آن‌ها می‌دادم و یک بار هم در غیاب من محل را بازرسی کرده بودند که دانشجویان از آن عکس گرفته بودند و در اینستاگرام قرار داده بودند که

مسئول کمیته سبز دانشگاه فردوسی مشهد: طرح حمل و نقل سبز در دستور است.



مسئول کمیته سبز دانشگاه فردوسی مشهد گفت: استفاده از حمل و نقل سبز و دوچرخه‌های اشتراکی در برنامه این دانشگاه قرار گرفته است. دکتر فاطمه طباطبایی یزدی در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا- منطقه خراسان، با اشاره به اینکه طرح دانشگاه سبز در سند چشم‌انداز دانشگاه فردوسی قرار گرفته شده است، اظهار کرد: حمل‌ونقل سبز، مدیریت پسماند، آموزش و ترویج فرهنگ زیست‌محیطی، همکاری با NGO، مدیریت کاهش مصرف انرژی و مواد، استفاده از آب‌های خاکستری و گیاهان مقاوم به خشکی از جمله اهدافی است که در طرح دانشگاه سبز دنبال می‌شود. وی ادامه داد: در حال حاضر برای طرح استفاده از معماری و مصالح سازگار با محیط‌زیست، مدیریت کاهش مصرف پلاستیک اقداماتی در دانشگاه فردوسی صورت می‌گیرد که از دیگر اهداف دانشگاه سبز محسوب می‌شود. عضو هیات علمی دانشکده منابع طبیعی و محیط‌زیست دانشگاه فردوسی مشهد بایان اینکه ما در مدیریت مواد زائد و تفکیک در مبدا و کاهش مصرف انرژی با مانیتورینگ، موفق‌تر عمل کرده‌ایم، افزود: با کاهش مصرف انرژی در بخش‌های مختلف سازمان‌ها، می‌توان ۲۰ درصد اتلاف انرژی را کاهش داد. طباطبایی یزدی با اشاره به انرژی‌های تجدید پذیر، عنوان کرد: پژوهشکده هوا خورشید دانشگاه فردوسی مشهد به‌منظور تولید انرژی‌های پاک و استفاده از انرژی‌های خورشیدی و بادی وجود دارد.

ما از قرن ۲۱ به قرن نوزدهم رفته ایم!

گزارشی از نشست رونمایی کتاب «جابه‌جایی دو انقلاب»



نیاز به مستندات بیشتری دارد. شاید یکی از نقاط قوتی که در این کتاب وجود دارد این باشد که یک سری مدعیات برخلاف سنت‌های رایج فکری را بیان کرده اما این مدعیات نیازمند یک سری فکت‌هایی است تا ما بدانیم این اتفاق افتاده است. شاید برای خود نویسنده مستند باشد اما برای خواننده این مساله باید تشریح شود. نجف‌زاده دین را به عنوان یک مساله فرهنگی نگاه می‌کند در حالی که هنگامی که دین وارد جامعه می‌شود تبدیل به بحثی اجتماعی می‌شود. دکتر نجف‌زاده قلم خوبی دارند و داستان‌تاریخی خوبی نوشتند که متکی بر روایت است. این افتخاری است که یک کار بین‌رشته‌ای در علوم مختلف در دانشگاه فردوسی صورت گرفته است.

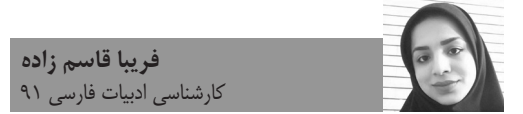
چگونه ممکن است در جامعه شبکه‌ای انقلاب رخ دهد؟

دکتر وحید سینایی نیز تصریح کرد: این کتاب حرکت از مشروطه به سوی انقلاب اسلامی را یک امر غیرطبیعی می‌داند در حالی که طبیعی است ابتدا انقلاب مشروطه رخ دهد و پس از قدرت گرفتن روحانیون انقلاب اسلامی رخ دهد. من جای تمهیدات نظری را در کتاب خالی می‌بینم. نویسنده در کتاب خود از جامعه شبکه‌ای صحبت کردند اما به نظرم این بحث در جای خود به درستی مطرح نشده است. جامعه شبکه‌ای توده‌ای و جامعه طبقه‌ای در این کتاب مطرح شده و کتاب معتقد است که در جامعه شبکه‌ای ایران عهد قاجار، مشروطه رخ داده و در جامعه شبکه‌ای پهلوی نیز انقلاب اسلامی رخ داده است. برای من این پرسش مطرح است که چطور

فروغی از پیشنهاد دهندگان این امر بودند. اندیشه ایران‌شهری در هم‌زادی دین و سیاست تقدم را به سیاست داد تا به این ترتیب بتوان حکومت تشکیل داد. در این کتاب تاکید شده که مردم فردوسی را با سعید نفیسی شناختند در حالی که فردوسی بسیار پیش از نفیسی شناخته شده است. من از نویسنده کتاب انتظار داشتم که وقتی اندیشه‌های سیاسی را بیان می‌کند آن‌ها را از نظر سیاسی هم بررسی کند. در مجموع به نظرم این کتاب بسیار جذاب است و من مطمئنم به چاپ دوم خواهد رسید.

تمهیدات نظری کتاب ضعیف است

دکتر حسین اکبری در مورد کتاب اظهار کرد: به نظر من تمهیدات اولیه نظری خیلی در کتاب قوی نیست و از این نظر کار ضعیف است. به ویژه وقتی متن را می‌خواهیم از نظر جامعه‌شناسی تاریخی و جامعه‌شناسی دین بررسی کنیم این مساله بسیار پررنگ می‌شود. از جمله بخش‌هایی که تمهیدات نظری در آن به خوبی مطرح نشده در دو مفهوم دولت و جامعه است. مفهوم‌سازی از جامعه در این کتاب مشخص نیست حتی مفهوم‌سازی از دولت نیز مشخص نیست. در یک جامعه قوی نریزگ و دروغ شکل نمی‌گیرد بنابراین به نظر من از نظریه جامعه قوی در برابر دولت ضعیف به خوبی دفاع نشده‌است. همچنین دکتر نجف‌زاده روایت‌هایی را مطرح می‌کند که خیلی از استادانشان به روایت‌های دیگران است و از اشکالاتی که به این کتاب می‌توان وارد کرد همین نکته است. یک سری گزاره‌هایی در این کتاب آمده که من احساس می‌کنم



فریبا قاسم زاده
کارشناسی ادبیات فارسی ۹۱

پیش‌گزارش: دوشنبه ۲۴ آبان دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی میزبان دوستداران یک کتاب متفاوت در حوزه علوم سیاسی بود. «جابه‌جایی دو انقلاب» عنوان جذاب کتابی است که به جا به جایی و تحولات لازم بین انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی می‌پردازد. شاید بسیاری از ما تاکنون فکر نکرده باشیم که می‌شود در فاصله‌ای نه چندان طولانی دو انقلاب در یک خاک و سرزمین روی دهد. این جلسه تا حدوی توانست به این نوع تاملات پاسخ دهد. همچنین از جذابیت‌های خاص خود این کتاب بین‌رشته‌ای بودن آن و توجه هم‌زمان به سه علم تاریخ، سیاست و جامعه‌شناسی بود. این کتاب به قلم دکتر مهدی نجف‌زاده استاد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی به نگارش درآمده است. در ادامه به سخنان سه استاد دانشگاه فردوسی؛ یعنی دکتر حسین اکبری؛ استادیار جامعه‌شناسی، دکتر وحید سینایی؛ دانشیار علوم سیاسی و دکتر روح‌الله اسلامی استادیار علوم سیاسی و همچنین نویسنده کتاب می‌پردازیم.

قلم نجف‌زاده هم‌پای بهترین نویسندگان انگلیسی است.

دکتر روح‌الله اسلامی در این جلسه اظهار کرد: مهدی نجف‌زاده قلم بسیار توانایی دارد. من این سبک نگارش که از صرف نگارش آکادمی خارج شده را تنها در یک سری از متون انگلیسی بسیار عالی دیده‌ام. دکتر نجف‌زاده صرفاً بررسی سیاسی نداشته است و بسیاری از آثار اندیشه‌ای و هنرهایی چون تئاتر، ادبیات و سینما را نیز تحلیل کرده که بسیار ارزشمند است. کتاب دارای چارچوب روش‌شناسی است و از اصطلاحات و واژگان علمی بسیاری نیز کمک گرفته است. کتابی که دکتر نجف‌زاده به نگارش آن پرداخته عنوان بسیار جذابی دارد که در کل نیز به این عنوان می‌پردازد. کار بسیار پسندیده‌ای که نویسنده انجام داده این است که اقدامات روشنفکران دینی را طی سال‌های گذشته نقد کرده، کسانی که الان جمهوری اسلامی را نقد می‌کنند مورد خطاب قرار داده و می‌گوید خود شما این فضا را ایجاد کرده‌اید پس چرا آن را نقد می‌کنید؟ من در کتاب چیزی دیدم که بسیار تعجب‌کردم و آن عنوانی بود به نام «تولد، تاسیس و تشکیل اندیشه ایران شهری و زوال آن». به نظر من هنوز اندیشه ایران شهری ادامه دارد. دوران مشروطه دوران هرج و مرج بود. مشروطه زمانی که اتفاق افتاد ایران به هم ریخت و هر گروهی حکومتی را پیشنهاد دادند. تنها جریانی که توانستند یک حکومت خوب ارائه دهند جریانی بود که حکومت ایران شهری را پیشنهاد دادند. افرادی چون محمدعلی

پیگیری ۶۰۰ امضاء

گزارشی از دیدار با رئیس دانشکده مهندسی

ادامه جلسه مساله نامناسب بودن سیستم های گرمایش و سرمایش مطرح گردید که ایشان دلیل را فرسودگی و عوامل دیگری ذکر کردند که در حال پیگیری می باشد. مشکل کمبود کلاس نیز با تکمیل بخش در حال ساخت دانشگاه به زودی رفع خواهد شد. بی‌شک راه صحیح اصلاح یک مجموعه مطالبه‌گری، نقد و پیگیری از روشهای منطقی و متقابلاً نقدپذیری و

متصدی جهت فسخ قرارداد دانستند. متصدی کافی شاپ پس از مدتی از فسخ قرارداد پشیمان و درخواست بازگشایی مجدد را داشته‌اند که با مخالفت مسولین دانشکده مواجه می شوند. لازم به ذکر است که بحث اختلاط جنسیتی به عنوان علت اصلی تعطیلی رد شده است. چنانکه ذکر شد، مسولین وعده داده اند که کافی‌شاپ مجدداً با مدیریت جدید بازگشایی شود. در



سعید فلاح
مهندسی شیمی ۹۲

با توجه به وجود نداشتن تشکیلی با ساختار منسجم جهت رسیدگی به مشکلات صنفی دانشجویان و در پی تعطیلی کافی‌شاپ دانشکده مهندسی و دیگر مشکلات صنفی، به همراه تعدادی از دانشجویان دانشکده مهندسی به نمایندگی از دیگر دانشجویان بر آن تصمیم تا مشکلات را به حوزه ریاست انعکاس دهیم. در همین راستا تعداد ۶۰۰ امضا طی ۴ ساعت جمع‌آوری گردید تا تأییدی بر عدم رضایت اکثریت دانشجویان از تعطیلی کافی‌شاپ موفق دانشکده باشد. نهایتاً طی جلسه ای با جناب آقای دکتر رجبی، ریاست دانشکده و جناب آقای دکتر ساده معاونت دانشکده، پاره‌ای از مشکلات به ایشان منعکس گردید که با پاسخگویی و پیگیری قابل تقدیر ایشان همراه بود. ایشان ضمن ارایه گزارشی شامل امور انجام شده جهت افزایش رفاه دانشجویی (از جمله دلایل احداث درب جدید دانشکده علیرغم کمبود بودجه)، به بیان علت اصلی تعطیلی موقت کافی شاپ پرداختند و قول مساعد دادند که به زودی با شخص دیگری جهت راه اندازی مجدد آن قرارداد بسته خواهد شد. ریاست دانشکده علت اصلی تعطیلی کافی شاپ را عدم رعایت ضوابط (مانند بخش سینی) از سوی متصدی آن، رفتار ناشایست با مسولین، اتمام موعد قرارداد و درخواست خود

می‌شود در یک جامعه توده‌ای که هیچ‌گونه همبستگی وجود ندارد انقلاب شکل گیرد در حالی که انقلاب مستلزم همبستگی است. این را می‌دانیم که از نظر نظری می‌توان یک ایده‌آل تائیدی درست کرد و در آن از یک جامعه توده‌ای صحبت کرد اما واقعیت امر چنین نیست. بنابراین این مسئله نیاز به توضیح دارد که چه در ایران مشروطه، چه در ایران دوران انقلاب ما با اتفاقات متفاوتی روبه‌رویم که نمی‌توان به آن یک سره جامعه شبکه‌ای یا جامعه توده‌ای را اطلاق کرد. به نظر من کسی که امروز کتاب می‌نویسد بیشتر از یک کار اقتصادی کرده است. او به نوعی یک مجاهدت می‌کند.

ما از قرن ۲۱ به قرن ۱۹ رفتیم

مهدی نجف‌زاده مولف کتاب عنوان کرد: ما از قرن ۲۱ به قرن ۱۹ رفتیم. چون پژوهش‌ها نشان می‌دهد بر اثر گذر زمان مردم از دین دور شده‌اند نه نزدیک. انقلاب اسلامی برخلاف جهت انقلاب‌های متداول است و به جای آن که از یک انقلاب دینی به یک انقلاب غیر دینی برسد از انقلابی غیر دینی به دینی رسیده است. یکی از ناقدان اظهار کرد که این روند طبیعی بوده که انقلاب مشروطه اول رخ دهد بعد انقلاب اسلامی؛ چون در طی زمان روحانیون قوی شدند و من به غلط این مساله را روندی غیر طبیعی دانسته‌ام. مدنظر من سنگ زیرین انقلاب در این کتاب بوده است. به این معنا که قانداها پروسه‌ای که در ایران طی شد برخلاف شکل رایج بود. به این معنا که رضاشاه جامعه شبکه‌ای را درهم کوید اما با این حال می‌بینیم که آن‌چه رضاه شاه در جامعه ایران می‌کند اثر نمی‌گذارد و جامعه با آن مقابله می‌کند. در خصوص نقد ناقدان بر کمبود تمهیدات نظری می‌توانم بگویم که مردم امروز علاقه‌ای به تمهیدات نظری ندارند. تمهیدات باعث می‌شود که مردم اشتیاق کمی در مطالعه کتاب نشان دهند و به همین خاطر هم سعی کرده‌ام بر روی آن‌ها خیلی مانور ندهم. اینکه در جامعه توده‌ای می‌تواند انقلاب رخ دهد سخن من نیست و اندیشمندانی پیش از من اظهار کرده‌اند که انقلاب‌های ایران انقلاب خاصی است. یعنی در ایران طبقه‌ها علیه هم مقابله نمی‌کردند بلکه همگی بر علیه یک نفر مخالفت می‌کردند. من اساساً معتقد هستم دنیا روایت است؛ مهم این است که کدام روایت مسلط می‌شود و به قولی مهم این است که مردم کدام روایت را جدی بگیرند. من اگر می‌خواستم به سنت نویسندگان قبلی پیش بروم کتاب نیز همان می‌شد که دیگران نوشتند. این نویسنده تصریح کرد: در خصوص این نظر ناقدان که گفتند برخی از گزاره‌های من سندیت ندارد، می‌توانم بگویم که قلم من کمی این‌گونه هست که جمله آخر را کوبنده مطرح می‌کنم تا توجه خواننده به آن بیشتر شود نه این که بخواهم سندیت سازی کنم.

پاسخ منطقی به آن می باشد. بنابراین، دانشجویان باید همواره در تعامل با مسولین باشند و پیگیری وعده‌های داده شده را وظیفه خود بدانند. وقایع اخیر نشان داد که عدم وجود شورای صنفی، پیگیری مشکلات دانشجویان را بسیار مشکل می‌کند. امید است که با تشکیل شورای صنفی قدرتمند، پیگیری مشکلات صنفی دانشجویان مسیر مشخصی داشته باشد.



نگاه ویژه

ملانیا ترامپ به کاخ سفید نمی‌رود!

برخی منابع اعلام کردند که همسر و کوچکترین پسر رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، حداقل تا پایان بهار آینده و به اتمام رسیدن سال تحصیلی کنونی، با «دونالد ترامپ» به کاخ سفید نخواهند رفت. به گزارش فارس، منابع تیم دولت انتقالی آمریکا اعلام کردند که «ملانیا ترامپ» و «بارون ترامپ» همسر و کوچک‌ترین پسر «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور منتخب آمریکا با توجه به حساسیت بیرون آوردن پسر ۱۰ ساله ترامپ از مدرسه در میانه سال تحصیلی، حداقل تا بهار آینده در نیویورک خواهند ماند و به همراه رئیس‌جمهور جدید آمریکا به کاخ سفید نمی‌روند. شبکه «ای بی سی نیوز» گزارش کرد، بارون در مدرسه‌ای در «منهتن» تحصیل می‌کند و به همین دلیل به همراه مادرش در طول دوران تحصیل خود در برج ترامپ به سر خواهند برد. مراسم تحلیف دونالد ترامپ بعنوان رئیس‌جمهور جدید آمریکا در تاریخ ۲۰ ژانویه (اول بهمن ماه) خواهد بود. ترامپ در گفت‌وگو با خبرنگاران گفت که بعد از مراسم تحلیف به کاخ سفید می‌رود. وی در پاسخ به این سوال خبرنگاران که آیا ملانیا و بارون نیز با او همراه می‌شوند، گفت: «خیلی زود، بعد از آنکه بارون مدرسه‌اش را به پایان برساند.»



ترامپسیسم

دکتر نجف‌زاده: شاید پوپولیسم پیروز نشده باشد. | دکتر اسلامی: صدای توماس هابز به گوش می‌رسد



را مشاهده کرد.

- اگر تحلیل‌هایی که پیرامون چرایی انتخاب ترامپ شده را دسته‌بندی کنیم در دو قالب می‌گنجد. قالب اول که سیاسی صرف است عوامل داخلی آمریکا نظیر عملکرد ضعیف کمیون دموکرات‌ها، نامقبول بودن کلینتون، تخریب نامزدهای مستقل آمریکا توسط دموکرات‌ها و ... را باعث انتخاب ترامپ می‌داند اما قالب دوم که فلسفی، سیاسی است انتخاب ترامپ را به موج ناسیونالیسم که در جهان راه افتاده است مرتبط می‌داند. موجی که از بریتانیا و خروج این کشور از اتحادیه اروپا آغاز شده و امروز به آمریکا رسیده است. با توجه به این دو قالب متفاوت تحلیل شما اساتید در این باره چیست؟

- دکتر نجف‌زاده: اگر تحلیل جامعه‌شناختی از جامعه آمریکا داشته باشیم، مشاهده می‌کنیم که اقلیت جامعه آمریکا مانند سیاه‌پوستان و مسلمانان که منافع آن‌ها با توجه به سخنان ترامپ در خطر بود، به وی رای ندادند اما اکثریت جامعه آمریکا با توجه به اینکه اعتقاد دارند اقلیت‌ها باعث محدود شدن‌شان شده‌اند با ترامپ همراه شدند. از سوی دیگر بخش دوم افرادی که به ترامپ رای دادند افراد بالای چهل و پنج سال بودند. این قشر دیگر دغدغه‌های لیبرالیستی و فلسفی ندارند و بیشتر به دنبال تثبیت وضعیت زندگی خودشان هستند. در این جاست که می‌توان اثرات بحران اقتصادی چندسال پیش را مشاهده کرد. بنابراین بسیاری از طبقات آمریکایی که ثبات زندگی برای آن‌ها مهم‌تر بود به سمت ترامپ رفتند. به طور کلی افرادی که به ترامپ رای داده‌اند، افراد ملی‌گرا و محافظه‌کار هستند.

- دکتر اسلامی: یکی از پیشگامان پدیده جهانی شدن، آمریکا بود. آمریکا به علت قدرت برتری که داشت توانست با نخبگان خود روند جهانی شدن را تسریع کند. اوپاما و هیلاری کلینتون نیز مدافع تداوم سیاست‌های جهانی شدن بودند. جهانی‌شدنی که مبتنی بر قدرت اطلاعات است و طبعاً تکنولوژی و اطلاعات در دست آمریکاست. اما طیف‌های مختلفی از مردم آمریکا مانند افراد مسن، کارگران صنایع کوچک و ... که نقشی در مناسبات قدرت جدید ندارند احساس کردند حقوقشان در حال تضییع است. لذا این افراد به اندیشه‌های محافظه‌کارانه و ملی‌گرایانه‌ای که ترامپ مبلغ آن‌ها بود گرایش پیدا کردند. ترامپ ادعا می‌کرد هیچ‌چیز به اندازه خود آمریکا برای من اهمیت ندارد. بنابراین می‌توان ادعا کرد متن آمریکا به ترامپ رای داد. یعنی سفیدپوستان و حتی طبقات بالای جامعه‌ی آمریکا البته با اختلاف نه چندان زیادی ترامپ را برگزیدند. این افراد را می‌توان محافظه‌کاران ملی‌گرا نام نهاد. می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که ملی‌گرایی در قرن ۲۱ در حال بازگشت است. صدای توماس هابز دوباره شنیده می‌شود. هابزی که معتقد بود دولت‌های ملی هستند که توانایی ایجاد امنیت و زدودن ترس برای مردم را دارند. در جهان امروز پس از عصر جهانی‌شدن مردم دوباره در حال بازگشت به خانه‌های خودشان هستند.

- سوالی مرتبط با این بحث از دکتر نجف‌زاده دارم. خیلی از افراد معتقدند که رای آوری ترامپ در اثر نارضایتی بود که در مردم آمریکا طی هشت سال گذشته بوجود آمده بود. از طرف دیگر ما با سینمای هالیوودی مواجهیم که در آن فیلم‌های ابرقهرمانی سری مارول بسیار پرطرفدار است. آیا از کنار هم قرار دادن این دو گزاره می‌توان نتیجه گرفت مردم آمریکا

شدت از انقلاب آمریکا و ساختار آن دفاع می‌شود و آرنت معتقد است که فیلسوف اصلی که در آمریکا تاثیر گذار بوده «مونتسکیو» است. فردی که نظریه تفکیک قوا، قانون اساسی و تاسیس یک حکومت بر مبنای اعتدال را تئوریزه کرده است. الگسی دو توکویل فیلسوف شهیر فرانسوی هم پس از سفرش به آمریکا ساختار سیاسی آمریکا را می‌ستاید و از جمع شدن مذهب و دموکراسی در این سرزمین تعریف می‌کند. به طور کلی فیلسوفان سیاسی یک تعادل بین نخبگان و مردم در آمریکا را متصور هستند. ولی در ظاهر این رویدادی که امروز اتفاق افتاده است عادی نیست مگر اینکه اعتقاد داشته باشیم ساختارهای کنترلی آمریکا بتوانند ترامپ و رویه‌هایی که باعث شد آرا را به سمت خودش بکشاند را محدود کنند که منجر شود ترامپ از مواضع خود کوتاه بیاید. به نظر من انتخاب ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا شرایط بحرانی را بوجود آورده است. شخصی به قدرت رسیده که اساساً ساختار سیاسی را نمی‌شناسد و برای حل مشکلات بزرگ راه حل‌هایی ساده مطرح می‌کند. ترامپ با عوام‌گرایی آمریکامحور، توانست رای‌ها را به سمت خود بیاورد.

- با توجه به صحبت چهره‌های مختلف هر دو جناح از برنی سندرز بگیرد تا خود ترامپ در مذمت دموکراسی غیرمستقیم، آیا سیستم رای گیری غیرمستقیم و آراء اکثرال هنوز راهگشا است؟

- دکتر نجف‌زاده: هیچ مدرکی دال بر این که سیستم اکثرال باعث بوجود آمدن این عوام‌گرایی در آمریکا شده باشد وجود ندارد چرا که ریشه‌های عوام‌گرایی در ساختار سیاسی آمریکا نیست. در کشور آمریکا شخص رئیس‌جمهور دارای قدرت فراوان است و حال اگر سیستم اکثرال نباشد چه تضمینی وجود دارد که وضعیت بغرنج‌تر نشود. به نظر من روی کار آمدن شخصیتی مانند ترامپ ارتباطی با سیستم رای گیری انتخابات ندارد و مرتبط با محتوای سیاست در آمریکای امروز است. ساختار کنترلی آمریکا در واقع هدفش این بود که هم از استبداد جلوگیری کند و هم از پوپولیسم. اتفاقاً در دموکراسی مستقیم هیچ تضمینی وجود ندارد این‌ها را بتوان از بین برد.

- از دکتر اسلامی سوالی داشتم. آیا این مدعا صحیح است که در آمریکا سیستم سیاسی به گونه‌ای طراحی شده که هر فرد با هر ویژگی و رفتاری توسط ساختارها مهار می‌شود و جلوی ظهور افرادی با ویژگی‌های ایدئولوژیک و فیلسوف‌شاه گرفته می‌شود؟

- دکتر اسلامی: ما و هر کشور دیگری نمی‌توانیم از زاویه دید خودمان به آمریکا نگاه کنیم. آمریکا نظام سیاسی، نظام انتخاباتی و نظام حزبی خوبی دارد. آمریکا را نمی‌توان یک کشور متمرکز دانست بلکه این کشور کاملاً غیرمتمرکز است. یعنی ایالت‌های آمریکا دارای قدرت فراوان هستند و ساختار سیاسی و قوانین متفاوتی دارند. همچنین احزاب در آمریکا قدرتمندند و همان‌طور که دکتر نجف‌زاده گفتند پوپولیسم و قدرتیابی سیاست‌مداران عوام‌گرا به عوامل متعددی برمی‌گردد که اتفاقاً اگر سیستم انتخاباتی رای گیری مستقیم باشد قدرت احزاب کمتر می‌شود که این امر به نوبه‌ی خود از عوامل روی کار آمدن افراد عوام‌گرا است. امروز در جامعه آمریکا مردم به سمتی رفته‌اند که مسائل اقتصادی و پولی در اولویت مطالباتشان قرار گرفته است که همین موضوع باعث می‌شود افرادی مانند ترامپ به پیروزی برسند. در واقع این نوع اندیشه در کل دنیا بوجود آمده و در اکثر کشورها می‌توان این موضوع



حسین محمد دوست
فارغ التحصیل اندیشه سیاسی و حقوق

پیش می‌گذرد؛ بعد از ظهر سرد چهارشنبه ۲۶ آبان‌ماه سازمان دانشجویان جهاد دانشگاهی میزبان دو تن از اساتید خوشنام علوم سیاسی دانشگاه فردوسی دکتر مهدی نجف‌زاده و دکتر روح‌الله اسلامی بود تا به سوالاتی پیرامون نتایج انتخابات بهت‌آور آمریکا پاسخ دهند. در این میزگرد همراه با من، علی قدیری و فرنام شکیبافر، دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی حضور داشتند تا با پرسیدن سوال‌هایی گره از معمای انتخابات آمریکا باز کنیم. معمایی که گویا هنوز حل نشده است.

- اساتید گرامی چرا پوپولیسم در آمریکا پیروز شد؟ در ساختار سیاسی آمریکا که قرار بود یک سیستم کنترلی و دموکراسی غیرمستقیم نه باعث کناره‌گیری مردم شود و نه اینقدر عوام‌گرایانه باشد که نخبگان در آن هیچ نقشی نداشته باشند چه اتفاقی افتاد که شخصیتی هم‌چون ترامپ به کاخ سفید راه یافت؟

- دکتر نجف‌زاده: اساساً در ساختار سیاسی آمریکا، سیستم آرای اکثرال برای جلوگیری از پوپولیسم در نظر گرفته شده تا بتوان نظر نخبگان را هم در انتخابات ایالات متحده آمریکا دخالت داد. اما سوالی که اینجا ایجاد می‌شود این است که آیا پوپولیسم در این انتخابات پیروز شده است؟ در پاسخ باید گفت شاید پوپولیسم پیروز نشده باشد! زیرا آقای ترامپ یک شخصیت ناشناخته بود که به یک‌باره ظهور کرد ولی چون حرف‌هایی که او می‌زد در ساختار آمریکا نمی‌گنجد و شناختی از وی وجود نداشت باعث شد که افراد تصور کنند انتخاب ترامپ یک انتخاب پوپولیستی بوده و پوپولیسم پیروز این انتخابات شده است. در واقع مشاهده می‌کنیم که همین عامل ناشناختگی نیز به انتخاب ترامپ کمک کرده است. علل دیگری نیز در این بین وجود دارد. ترامپ جمهوری‌خواه بعد از دوران هشت‌ساله قدرت دموکرات‌ها رای آورد. به عبارت دیگر رای‌های اکثرالی که به نفع ترامپ ریخته شد رای به شخص او نبود بلکه رای به جمهوری خواهان بود. آرای اکثرال باعث شد که حتی افرادی که علاقه‌ای به ترامپ نداشتند ولی طرفدار حزب جمهوری‌خواه بودند به وی رای دهند تا یک فرد از حزب مقابل رای نیابد. بنابراین همه آراء را نباید به حساب خود ترامپ دانست بلکه شرایط بغرنجی بوجود آمده بود که باعث شد بخشی از نخبگان جمهوری‌خواه هم به ترامپ رای دهند. با توجه به این شرایط نمی‌شود گفت پوپولیسم رای آورده است بلکه نخبگان با این تفکر که با سیستم آمریکا می‌توان جلوی اقدامات رئیس‌جمهور را گرفت و با این سیستم کنترلی می‌توان منافع جمهوری خواهان را پیش برد، به ترامپ رای دادند.

- در مورد هشت سال روی کار بودن دموکرات‌ها و اینکه باعث شد مردم به سمت جمهور بخواهان بروند، وقتی به تاریخ آمریکا هم می‌نگریم مشاهده می‌کنیم که در اکثریت موارد پس از هشت سال قدرت داشتن یک حزب، قدرت به حزب دیگر منتقل شده است، آیا در این موضوع یک نوع جبر گرایی ناتوشته وجود دارد؟

- دکتر نجف‌زاده: ببینید با فرض پذیرش چرخش قدرت میان دو حزب اصلی در آمریکا وقتی شخصیت خانم کلینتون را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که ویژگی خاص و کاریزمایی برای مشتاق کردن مردم ندارد و در بین مردم آمریکا هم حتی مشاهده می‌کردیم که این انتخابات را در واقع انتخاب بین بد و بدتر می‌دانستند. به عبارت دیگر وقتی مردم آمریکا به سوایق کلینتون نگاه می‌کردند، اشتباهات فاحش وی در سیاست‌گذاری‌های قابل اغماض نبود. بنابراین این موضوع و همچنین عدم تجربه و ناشناختگی ترامپ یک حسن برای ترامپ بود که آراء را به سمت خودش کشاند. البته این موضوع در مورد اوپاما هم اتفاق افتاد که اسم آن را پوپولیسم گذاشتند! در صورتی که همان زمان هم فضایی بوجود آمده بود که ناشناخته بودن اوپاما باعث شد رای‌های زیادی را به خود اختصاص دهد.

- دکتر اسلامی: من از دیدگاه تاریخی و اندیشه‌های نکاتی را در این مورد بیان می‌کنم. در تاریخ فلسفه سیاسی متفکر خیلی مهمی به نام «هانا آرنت» وجود دارد که در کتابی تحت عنوان «انقلاب» دو نوع انقلاب را بررسی می‌کند: یکی انقلاب فرانسه و دیگری انقلاب آمریکا. در بخشی از این کتاب می‌گوید متفکری که تفکراتش در فرانسه حاکم شد «روسو» بود و یک نوع رمانتیسیسم بوجود آمد که منجر به قدرت رسیدن مردم شد که البته ساختار سیاسی معقولی نداشت تا بتواند دموکراسی را برقرار کند. در همین کتاب به

ترامپ را به منزله‌ی یک ابرقهرمان می‌دانند؟
- دکتر نجف‌زاده: همان‌طور که دکتر اسلامی اشاره کردند، امروزه مردم آمریکا نگاهشان به داخل آمریکا معطوف شده است. بنابراین دیگر مفهوم ابرقهرمان معنی پیدا نمی‌کند. از طرف دیگر همان‌طور که در این‌گونه فیلم‌ها مشاهده می‌کنیم، ابرقهرمان‌ها از ماوراءطبیعه به زمین می‌آیند ولی افرادی که به ترامپ رای داده‌اند اشخاصی هستند با دغدغه‌های زمینی که خواستار بر هم‌زدن ساختار داخلی آمریکا هستند. چرا که معتقدند این ساختار باعث شده وضعیت اقتصادی و هویتی بغرنجی برای آن‌ها بوجود آید.

- با توجه به این که در آمریکا سه نوع دکترین در سیاست خارجه وجود دارد. اولی دکترین همیلتونیسم که مبتنی بر ارزش‌های آمریکایی می‌باشد دومی دکترین جکسونیسم که بیشتر مبتنی بر منافع آمریکا و معتقد به دخالت آمریکا در کشورهای مختلف است و سومی دکترین ویلسونیسم که در واقع به منزله‌ی تمامی ارزش‌های آمریکایی و ارائه یک الگو از آمریکا در عرصه جهانی است، آیا می‌توان با توجه به شعارهای انتخاباتی ترامپ دکترینی برای سیاست‌خارجی‌اش متصور بود؟

- دکتر اسلامی: به اعتقاد من نمی‌شود این موضوع را پیش‌بینی کرد. چون ترامپ اصلاً فرد رویه‌مندی نیست و در سوابقش حتی بارها حزب متبوعش را تغییر داده است. از طرف دیگر با توجه به این که پست سیاسی نداشته و درسی هم در عرصه سیاست نخوانده و بالتبع عرصه‌ی سیاسی را خوب نمی‌شناسد کاملاً غیرقابل پیش‌بینی است. ولی دو متغیر در مورد وی مشخص است: یکی این موضوع که فردی محافظه‌کار است و دوم این که ملی‌گرا است؛ به این معنا که معتقد است منافع آمریکا بر همه امور اولویت دارد. اگر بخواهیم به صورت موردی مواضع ترامپ را در مورد ایران بررسی کنیم آنها را باید در دو دسته مواضع مثبت و منفی تقسیم‌بندی کنیم. مواضع مثبت او عبارتند از: مورد اول تاجرمنسک بودن وی است که برخی معتقدند منجر به عدم موضع‌گیری ایدئولوژیک محور وی علیه ایران می‌شود لذا می‌توان با او مذاکره کرد. مورد دوم اشاره به استقلال مالی و عدم کمک گرفتن وی از هیچ فرد و گروهی دارد که می‌تواند نشانه استقلال فکری و عملی او باشد. مورد سوم بیانگر سیاست بازگشت به خانه ترامپ است که باور دارد در دوران ترامپ خبری از سیاست‌های تجاوزگرایانه آمریکا نیست. مورد چهارم هم نزدیکی ترامپ به پوتین و دوری وی به اسرائیل نسبت به رقیب دموکراتش است. اما مواضع منفی ترامپ علیه ایران به این قرار است: مورد اول سیاست ضد قدرت‌گیری ایران است که او به کرات گفته است. مورد دوم مخالفت علنی وی با برجام است. مورد سوم لابی‌اعراب و اسرائیل با رئیس‌جمهور آمریکا است. وقتی ما با آمریکا رابطه‌ای نداریم طبعاً لابی نیز نمی‌توانیم داشته‌باشیم. در مجموع این عوامل، من معتقدم قدرت بازی کردن با حریف مهم‌ترین متغیر است که به دلیل عدم رابطه‌ی ما با آمریکا نسبت به سایر کشورهایی که با آمریکا رابطه دارند، امکان ائتلاف کشورهای منطقه و آمریکا علیه ایران بالاست. بنابراین به اوضاع روابط ایران و آمریکا در دوران ترامپ خوش‌بین نیستم.

- دکتر نجف‌زاده: وقتی به شعارهای تبلیغاتی آقای ترامپ نگاه می‌کنیم درمی‌یابیم که وی افکار تهاجمی نداشته و بیشتر مواضعش سمت‌وسوی دفاعی دارد. به عنوان نمونه، در سخنرانی‌هایش از کشیدن دیوار در مرز مکزیک صحبت کرده و در خاورمیانه تنها به مسئله داعش توجه داشته و خیلی ساده‌انگارانه اعلام کرده می‌تواند در مدت کوتاهی مسئله‌ی داعش را حل کند. بنابراین نکته اول این است که ترامپ به دلیل تفکراتش بسیار تدافعی عمل خواهد کرد و از این لحاظ وقتی تدافعی عمل کند یعنی لبه‌ی لفاظی‌های بین ایران و آمریکا بیشتر از این تیز نخواهد شد. مگر اینکه شرایط ویژه‌ای رقم بخورد. نکته‌ی دوم منفعت‌محوری نهفته در شعارهای وی است. به طور مثال ترامپ در سخنرانی‌هایش معترض بود که چرا ما باید پول امنیت عربستان سعودی را بپردازیم. لذا در رفتار سمبولیک سیاست‌خارجی آمریکا، رویه‌ی منفعت‌محوری غلبه خواهد کرد. بنابراین ایران در منطقه‌ی خاکستری سیاست خارجی آمریکا قرار می‌گیرد. منطقه‌ی خاکستری یعنی این که ایران مساله بغرنجی نیست. نکته‌ی سوم این که وقتی به شعارهای ترامپ نگاه می‌کنیم، تناقض عجیب و غریبی در آن دیده می‌شود. به عنوان مثال از نزدیک شدن به روسیه صحبت کرده است ولی از نزدیکی به ایران...

نگاه ویژه

ترامپسیسم

ادامه از صفحه ۵

جلوگیری می‌کند و این در صورتی است که با توجه به روابط کنونی ایران و روسیه این موضوع غیرممکن به نظر می‌رسد. بنابراین نمی‌توان پیش‌بینی کرد که چه دکتربنی را انتخاب خواهد کرد که چتر سیاست‌خارج‌اش از یک طرف روی سر روسیه باشد اما ایران زیر این چتر نباشد. برای مشخص شدن سیاست‌خارج آمریکا باید منتظر ماند تا ترامپ وزیرخارج و مشاور امنیت ملی خود را انتخاب کند و دکتربنی رسمی سیاست‌خارج‌اش را اعلام کند.

- در خصوص تاثیر انتخابات آمریکا بر روی انتخابات ایران عده‌ای از صاحب‌نظران معتقدند با این که سال‌هاست

اوباما: جهان به ترامپ فرصت دهد!



به دنبال اظهارات جنجال برانگیز دونالد ترامپ در خصوص اقدامات حمایتی و ناتو که موجبات نگرانی متحدان آمریکا را برانگیخت، باراک اوباما از جهانیان خواست تا به ترامپ «فرصت» بدهند. به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه خبری ال‌نشره، باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا در حاشیه سازمان همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوسیه (ایک) گفت: این مهم است که جهانیان در داورهای خود شتابزده عمل نکنند بلکه باید به رئیس‌جمهور منتخب فرصت داد. وی ادامه داد: آمریکا دولت بزرگی است تا آنجا که بعد از هر انتخاباتی مردم سوالات زیادی را مطرح می‌کنند. وی در مقابل حدود ۱۰۰۰ تن از جوانان در آخرین اظهاراتش در خارج از آمریکا گفت: فقط سیاهی را نبینید. منتظر باشید تا ترامپ دولتش را تحویل بگیرد. وی عملاً پس از آن به سیاست‌هایش نظم خواهد داد و پس از آن می‌توان در این باره قضاوت کرد. این اظهارات اوباما در پی نگرانی‌های روز شنبه برخی رهبران جهان در حاشیه نشست ایک ایراد شد. اوباما گفت: همانطور که دائماً گفته‌ام باید به رئیس‌جمهور جدید فرصت داد همیشه بین کمین انتخابات و شیوه اداره دولت تفاوت وجود دارد. همچنین اوباما اشاره کرد که پیش‌بینی نمی‌کند در سیاست خارجه آمریکا نسبت به آمریکای لاتین تغییری به وجود آید.

سال‌های آتی می‌شوند. مضاف بر این رهبری هم به خوبی متوجه این آسیب شدند و مانع بازگشت رئیس‌جمهور سابق به عرصه‌ی سیاسی کشور شدند. از سوی دیگر روی کار آمدن ترامپ، باعث نزدیک شدن ایران به اتحادیه اروپا خواهد شد و همچنین با توجه به اینکه ترامپ در مورد جلوگیری از هزینه کردن در سایر کشورها صحبت کرده ایران می‌تواند به کشورهای دیگری هم‌چون هند (هم‌چون خط لوله صلح از ایران به هند که منافع اقتصادی زیادی را می‌توانست برای ایران به همراه داشته باشد ولی توسط آمریکا از این کار جلوگیری شد) که گزینه‌های بسیار مناسبی برای اهداف اقتصادی می‌باشند نزدیک شود.

به شخصی رای دهند که تندرو باشد یا خیر؟ من معتقدم در این‌جا هم شک بزرگی وجود دارد. بررسی روانشناسی سیاسی مردم ایران نشان می‌دهد که در شرایط بغرنج، ایرانیان رویکرد محافظه‌کارانه‌ای اتخاذ می‌کنند. بنابراین با توجه به شرایط گذشته ایران این موضوع که کشورمان در یک دوره کوتاه‌مدت به سمت فردی تندرو برود، غیر ممکن به‌نظر می‌رسد اما در دراز مدت بعید نیست.

- دکتراسلامی: ایرانی‌ها با توجه به اینکه تجربه‌ی عوام‌گرایی را در سال‌های گذشته داشته‌اند در آینده به سختی دوباره به این سمت خواهند رفت. هرچند در ایران زمینه‌های عوام‌گرایی وجود دارد اما نخبگان و مردم مانع بازگشت دوباره این طیف سیاسی در

بین دو کشور تنازعات شدیدی وجود دارد اما هر دو کشور به شدت از هم تاثیر می‌گیرند. نمونه بارز این قضیه هم رای آوردن ریگان جمهوری‌خواه پس از کارتر دموکرات در دوران تسخیر سفارت آمریکا در ایران بود. حال سوالی که پیش می‌آید این است که با پذیرش فرض فوق آیا روی کارآمدن جمهوری‌خواهان در آمریکا باعث روی کارآمدن تندروها در ایران خواهد شد یا خیر؟

- دکتر نجف زاده: برای پاسخ به این سوال ابتدا باید به این سوال جواب داد که آیا در دوره‌ی آقای ترامپ آمریکا تندروتر خواهد شد یا نه. با این وجود فرض کنید ترامپ در وزارت خارجه کسی را قرار دهد که تندرو باشد در این صورت آیا چنین رفتاری ایجاب می‌کند که در ایران مردم

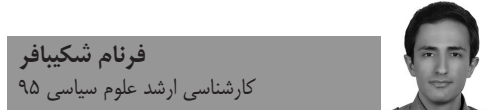
آیا ترامپ احمدی نژاد آمریکاست؟

در قیاس با سایر اقشار از فراگرد رشد و توسعه سال‌های پیش از آن نصیب و حظ چندانی نبرده بودند. جمعیتی که به نظر علی‌رغم گشایش‌های حاصله از فرایند نوسازی اقتصادی دوره پساجنگ و تلاش برای اصلاحات معطوف به امر سیاسی سال‌های بعدی، همچنان تحت پاره‌ای از فشارها و مضایق قرار داشته و مطالبات آنان تا حدی در میان شعارها و نزاع‌های سیاسی وقت گم شده بود. همین جمعیت خاموش و مغفول بود که با به حرکت درآمدنش نتیجه‌ای پیش‌بینی نشده خلق نمود و محمود احمدی‌نژاد را روانه پاستور کرد.

سومین وجه مشترک دیگری که می‌توان میان رئیس‌جمهوری پیشین ایران و رئیس‌جمهوری منتخب ایالات متحده سراغ کرد تشابهاتی چند در جامعه هدف آنان است. توضیح آنکه هر کارزار انتخاباتی کاندیدایی خاص معمولاً بر روی طیف و اقشار به خصوصی سرمایه‌گذاری محسوسی می‌نماید و حسابی ویژه بر روی آراء آنان باز می‌کند که از آن به عنوان جامعه هدف کاندیدای مذکور می‌توان یاد کرد. ترامپ و احمدی نژاد هر دو توجه خاصی به تحصیل‌ناکرده ترین، عامی‌ترین و مغفول واقع شده‌ترین اقشار جامعه خویش مبذول داشتند. به زبان آنان سخن گفته، لمپنیسم پیشه کرده، نزاکت رایج در نخبگان سیاسی معمول را به کناری نهاده و هر آنچه که در نگاه این طیف‌ها دلپسند آید در پیش گرفتند. هر دوی آن‌ها با شعارهایی به غایت عوام‌پسند، نسجیده و فاقد امکانات عملی برای جامعه عمل پوشانیدن به آن‌ها، عامی‌ترین و ناآگاه‌ترین اقشار اجتماعی را هدف تبلیغات خود قرار دادند.

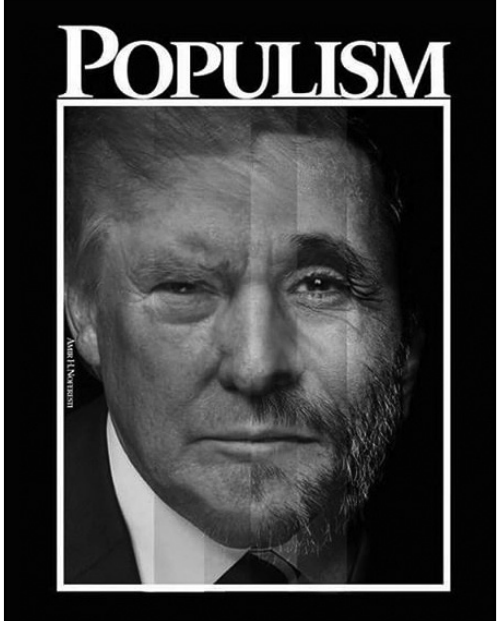
سرانجام ترامپ و احمدی نژاد هر دو به علت عدم بهره‌مندی از تحصیلات آکادمیک مرتبط و خصوصاً عدم حضور در نهادهای عالی حکومتی آشنایی چندانی بنا واقعیات عرصه سیاست ندارند. نگاه هر دو در حوزه اموری نظیر اقتصاد، سیاست داخلی و سیاست خارجی عمدتاً نگاهی به شدت ساده‌انگارانه و ساده‌لوحانه بوده و هست. نگاه ساده‌انگارانه‌ای که منشأ شکل‌گیری پاره‌ای ایده‌هایی فانتزی در ذهن

نهمین انتخابات ریاست‌جمهوری ایران نیز محمود احمدی‌نژاد در دور دوم این انتخابات رویاروی شخصیتی قرار گرفته بود که در آن برهه نمادی از ایت سیاسی حاکمه تلقی می‌شد و علی‌رغم هم‌گرایی نیروهای سیاسی متنوعی که از احتمال به قدرت رسیدن وی به هراس افتاده بودند و گرد آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی جمع شده بودند، وی توانست با پیروزی انتخابات را پشت سر بگذارد. هم هیلاری کلینتون و هم اکبر هاشمی رفسنجانی چهره‌هایی جاافتاده، شاخص و دارای تجربه قرار گرفتن در عالی‌ترین مناصب، مغلوب کاندیدایی گشتند که تا چند ماه پیش از آن چندان نام و نشانی از آنان در عرصه سیاسی دو کشور به چشم نمی‌خورد. در واقع ترامپ و احمدی‌نژاد هر دو توانستند با به نمایش گذاشتن خود به عنوان فردی خارج سیستم و متفاوت با نخبگان حاکم از نارضایتی، ناامیدی و بی‌اعتمادی بخش‌هایی از جامعه نسبت به نخبگان سیاسی مسلط، بیشترین بهره‌برداری ممکن را به عمل آورند. دونالد ترامپ و محمود احمدی‌نژاد هر دو توانستند حمایت جمعیتی خاموش و تا پیش از آن مغفول را کسب نمایند. جمعیتی که تا پیش از آن در هر دو کشور چندان به حرکت درنیامده بودند ولی به ناگاه وارده عرصه گردیده و شوک و بهت آفریدند. البته این دو جمعیت دارای تفاوت‌های ماهوی بودند لیکن هر دو تا پیش از آن ظهور و بروزی این چنینی به نمایش نگذاشته بودند. ترامپ توانست پیش از هر چیز حمایت افشاری را کسب نماید که از فراگرد «جهانی شدن سرمایه» متضرر گردیده بودند. ۷۸ درصد از رأی‌دهندگان به رئیس‌جمهوری منتخب ایالات متحده کسانی هستند که فارغ از پایین یا بالا بودن ثروت و حجم درآمد، در سال‌های اخیر وضعیت اقتصادی رو به افول را تجربه کرده بودند. جمعیت و افشاری که عمدتاً مطالباتی هویت‌گرایانه و عظمت‌طلبانه نیز داشتند و معتقد بودند که جایگاه ایالات متحده در عرصه بین‌المللی تضعیف گردیده است. طیفی که ترامپ با وعده احیای شکوه و عظمت آمریکا آنان را به نفع خویش بسیج کرد. در ایران نیز محمود احمدی‌نژاد مورد استقبال اقشار خاموشی قرار گرفت که به نظر



فرنام شکیبافر
کارشناسی ارشد علوم سیاسی ۹۵

با انتخاب دونالد ترامپ به ریاست‌جمهوری ایالات متحده شاهد آن بودیم که جامعه ایران در ابعاد وسیعی به مقایسه میان کاندیدای منتخب انتخابات ریاست‌جمهوری ایالات متحده با محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور پیشین ایران پرداخت. اینکه تا چه حد این قیاس منطبق بر واقعیت است می‌تواند بحثی چالش‌برانگیز باشد. بدون شک چه دو جامعه ایرانی و آمریکایی نظر به ساخت سیاسی، ساخت اقتصادی و ساخت اجتماعی دو جامعه بسیار متفاوت هستند و چه این دو چهره سیاسی مورد قیاس واقع شده دو فرد با ویژگی‌های شخصیتی با تفاوت‌های عمده هستند اما آیا هیچ نقطه مشترکی میان این دو و روندهای سیاسی منجر به پیروزی آنان نمی‌توان یافت؟ پاسخ نگارنده به این پرسش مثبت است. علی‌رغم همه تفاوت‌های عدیده میان این دو جامعه، میان این دو فرد و میان ساختار و روندهای انتخاباتی دو کشور، می‌توان بر روی اشتراکاتی جالب میان این دو شخصیت سیاسی جنجالی و روندهای منجر به پیروزی ایشان دست گذارد. به عنوان یکی از بارزترین وجوه اشتراک می‌توان به این امر اشاره کرد که هر دو در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری منجر به کامیابی خود، در برابر کسانی قد برافراشتند که از زاویه نگاه مردم، نماد حاکمیت مستقر بودند. خانم هیلاری کلینتون در جریان کارزارهای انتخاباتی اخیر ایالات متحده مورد حمایت طیف وسیعی از نخبگان سیاسی این کشور قرار داشت که تنها مشمول سران و نخبگان حزب دموکرات نیز نمی‌شد بلکه حمایت تعداد قابل توجهی از نخبگان و سران ارشد حزب جمهوری‌خواه را نیز شامل می‌شد. امری که از حیث تاریخی بی‌مانند بود. همچنین ۹۷ درصد روزنامه‌های این کشور در جریان انتخابات پشت سر گذاشته شده به حمایت از هیلاری کلینتون پرداخته بودند. قاطبه‌ی شبکه‌های خبری و تلویزیونی عمده و مطرح نیز به همین سان دست به جبهه‌گیری‌های علنی و شدیدی علیه دونالد ترامپ زده بودند. در جریان

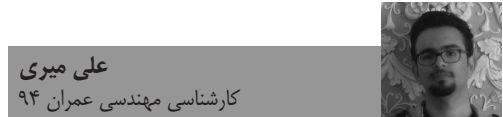


این دو سیاستمدار است. یکی خواست پول نفت بر سر سفره مردم آورد و دیگری سخن از کشیدن دیواری در سراسر مرز دو هزار مایلی با مکزیک به میان می‌آورد! حال با این تفاسیر آیا حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید برای جامعه آمریکایی مشابه پیامدهای فاجعه‌باری که حضور احمدی‌نژاد در پاستور برای ایرانیان به همراه داشت در پی خواهد آورد؟ این دیگر پرسشی است که به اعتقاد نگارنده باید به آن پاسخ منفی داد. دونالد ترامپ از یک سو در واشنگتن در احاطه ساختارها و نهادهای سیاسی جاافتاده، مستقر و مستحکم قرار خواهد گرفت که او را ناگزیر به سطوحی از واقع‌گرایی خواهد نمود و از سوی دیگر منصب ریاست‌جمهوری وی را در برابر یک جامعه‌مدنی بسیار قوت‌مند و قدرتمند قرار خواهد داد که هر اقدام نسنجیده‌ای می‌تواند جنبش‌های اجتماعی بزرگی را علیه او به حرکت آورد. مواردی که متأسفانه فقدان آن‌ها میدان کنش فراخی را برای همتای ایرانی ترامپ فراهم آورده بود که تا حد زیادی بتواند هر آنچه می‌خواهد بر سر ایران آورد و خسارتی عظیم رقم بزند.

دموکرات یا جمهوری خواه؟ مساله این است.

رویکرد صادقانه‌تری نسبت به ایران دارند. آن‌چنان که دیده می‌شد در دولت اوباما همواره صحبت از سازش با ایران و دعوت از ما برای مذاکره بود اما در پشت پرده و حتی بعد مذاکره هم به بهانه‌های واهی ما را شامل تحریم‌های جدید می‌کردند و اینطور وانمود می‌شد که امریکا مایل به از بین رفتن تنش‌هاست اما ایران خود به دنبال تنش‌زایی است. در واقع سیاست دموکرات‌ها همواره با پنبه سر بریدن بوده است اما جمهوری‌خواهان اغلب سیاست مستقیمی در قبال ایران داشته‌اند و در مذاکرت هم با ایران صادق‌تر بوده‌اند مانند توافق نامه سعدآباد. از بعد دیگر جمهوری‌خواهان همواره به دنبال مداخله مستقیم در امور بوده‌اند و اغلب در موارد نظامی از گزینه نظامی مستقیم بهره برده‌اند که با وجود معایب زیاد نسبت به سیاست‌های دموکرات‌ها که حضور غیر مستقیم و بر هم زدن آرامش منطقه با ایجاد گروه‌های تجزیه طلب بوده است بهتر به نظر می‌رسد به طوری که در شرایط فعلی خود قادر به کنترل سیاست های غلط خود نیستند!

در این بین اما در دو سال پایانی دولت اوباما با هوشیاری دیپلمات‌های کشور توانستیم به توافقی نسبی با امریکا و پنج کشور قدرتمند دنیا دست پیدا کنیم و از جنبه صلح طلبی ظاهری دموکرات‌ها بهره کافی را ببریم اما اینکه در شرایط کنونی روی کار آمدن یک جمهوری‌خواه به نفع ما بوده است یا دموکرات بحثی با ابعاد گوناگون دارد ولی با نگاهی گذرا به ویژگی‌های ذکر شده و سیاست خارجی مطلوب ما و اعتمادسازی در بین کشورهای مختلف جهان شاید آمدن یک جمهوری‌خواه با سیاست‌های صادقانه‌تر زیاد هم برای ما نامطلوب نباشد و البته نگرانی‌هایی هم که در رابطه با اظهارات ترامپ در زمان کاندیداتوری مطرح است با توجه به وجود گروه‌های رادیکال و صهیونیستی با نفوذ در سیاست های امریکا مانند آپیک و تلاش اغلب کاندیداها برای جلب رضایتشان در دوران نامزدی و با بررسی دوره‌های قبلی ریاست جمهوری می‌توان تا حدودی به شعار گونه بودن این تهدیدها اطمینان داشت اما باید این نکته را هم در نظر گرفت که در سیاست ممکن است خورشید از غرب طلوع کند!



علی میری
کارشناسی مهندسی عمران ۹۴

با گذشت نزدیک به چهار دهه از شروع انقلاب اسلامی و هم زمان شدن با قطع روابط دیپلماتیک تهران و واشنگتن، اکنون می‌توان از دو خاستگاه جمهوری‌خواه و دموکراتیک بررسی اجمالی نسبت به رفتار ایالات متحده با ایران در این چهار دهه داشت. در این مدت از عمر انقلاب ایران نزدیک به بیست سال جمهوری‌خواهان و کم‌تر از این مدت دموکرات‌ها در امریکا بر مسند قدرت بوده‌اند که تئوری سیاست خارجی هر دو در قبال ایران و منطقه یکسان و مبتنی بر جلوگیری از نفوذ و قدرت گرفتن روزافزون ایران در منطقه و تضعیف جایگاه ایران در دنیا و تحت فشار قرار دادن برای قبول خواسته‌های خود بوده است اما در عمل اندکی تفاوت دارند. هم‌چنین هر دوی آنها بر مبنای این سیاست به دنبال افزایش حضور نظامی مستقیم و یا غیر مستقیم در منطقه بوده‌اند که توجیه این حضور همواره کنترل و مبارزه با تروریسم

کافه تریا

۷

نیمه دوم آبان ۹۵

فروشنده پرفروشترین فیلم تاریخ سینمای ایران شد

فیلم فروشنده اثر اصغر فرهادی توانست در آخرین هفته‌ی اکران خود، به پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران تبدیل شود. فروشنده توانست با عبور از مرز ۱۵ میلیارد تومان فروش، علاوه بر پشت سر گذاشتن فیلم «من سالوادور نیستم» به پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران تبدیل شود. فروشنده در روزهای پایانی اکران خود توانسته بود بیش از ۱۴ میلیارد فروش کند و حالا، نزدیک ۶۰۰ میلیون دیگر فروش کرد و فروش کلی آن از مرز ۱۵ میلیارد گذشت. فروشنده رتبه‌ی اول جدول فروش را در ده هفته‌ی گذشته در اختیار داشته و پس از ۷۰ روز اکران در ۱۰۸ سینمای سراسر کشور، تبدیل به پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینما ایران شد. فروشنده بعد از پایان اکران گسترده‌اش در سراسر کشور، تنها در سینماهای مجتمع کوروش تهران نمایش خواهد داشت. هفتمین فیلم اصغر فرهادی درحالی در سینمای ایران رکورددار شده است که اکران بین‌المللی آن از فرانسه به زودی آغاز خواهد شد. فروشنده به عنوان نماینده‌ی ایران در آکادمی اسکار ۲۰۱۷ معرفی شده است.



فروشنده

فیلمی از اصغر فرهادی

شهاب حسینی
ترانه علیدوستی
پاک‌کریمی
فرید سجادی حسینی
بامستر مینا ساداتی

چه کسی برای «ترامپ» سناریو خواهد نوشت؟



با این حال بتمن به هدف بزرگتری می‌اندیشد و میتواند جوکر را دستگیر کند. همه چیز در دیالوگ‌های پایانی فیلم نهفته است. بتمن می‌پذیرد که جنایات «هاروی دنت» را بر عهده بگیرد و به عنوان یک قاتل فراری تحت تعقیب قرار گیرد. اما بتمن توانست یک تهدید بزرگ را از بین ببرد. در نهایت از او به عنوان یک «شوالیه» نام برده می‌شود. کسی شهر «گاتهام» شایسته آن نیست اما به آن نیاز دارد. در واقع با اقدامات فراقانونی خود موفق به مهار جوکر می‌شود ولی این به قیمت اعتبار خود او تمام می‌شود. حال با انتخاب «دونالد ترامپ» که البته هنوز مشخص نیست چه سیاست‌هایی را در پیش خواهد گرفت، احتمالاً خوراک سینمایی خوبی برای هنرمندان فراهم می‌شود. باید دید چه کسی حاضر می‌شود برای او سناریویی مثبت بنویسد البته با اظهار نظرهایی که تاکنون از سوی هنرمندان این کشور شده بعید است کسی بخواهد شوالیه‌ای دیگر از او بسازد.

اصلی و قهرمان فیلم است که باید با این تهدید جدید روبه‌رو شود. اما اینبار او با دشمنی ساده رو به رو نیست؛ او با دیوانه‌ای طرف است که حتی به هموعان خود هم رحم نمی‌کند و آن‌ها را به کام سنگ‌های وحشی می‌سیارند. او اعتقاد دارد «این شهر شایسته کلاس بالاتری از جنایتکاران» است. همین کار را برای بتمن سخت می‌کند. در بتمن کریستوفر نولان، او از اصول اخلاقی پیروی می‌کند اما برای نخستین بار با کسی رو به رو شد که هیچ اصلی از اصول اخلاقی را رعایت نمی‌کند. بتمن کسی را نمی‌کشد و این یک قانون است. برای همین بتمن از قانون فراتر می‌رود. بتمن برای برخورد با این دشمن جدید از حیل «آلفرد» کمک می‌گیرد. او همه شهر را به آتش می‌کشد. او سیستمی صوتی اختراع می‌کند که می‌تواند با آن همه چیز را کنترل کند تا در نهایت مکان اختفای جوکر را پیدا کند. این همان مجوزی بود که در دولت بوش هم داده شد.

جنگ‌ها حقوق بشر را رعایت نکرده و انتقاداتی در باب زندان‌های گوانتانامو و ابوغریب متوجه دولت وی شد. شوالیه تاریکی نیز در آن زمان دشمنی جدید را به نمایش گذاشت. دشمنی که از مردم نبود و مشکلاتی که به وجود آورد اصلاً ناشی از جامعه و مردم نبود. «جوکر» انگار موجودی بود که از جهانی دیگر آمد و دیوانه‌وارترین اقدامات را علیه شهر «گاتهام» و مردمش به نمایش گذاشت. قاروق از جذابیت‌های شخصیتی جوکر که بسیاری را تحت تأثیر قرار داد، می‌توان دیوانگی وی و فارغ بودن او از هر گونه الگوی اخلاقی را به تروریسم شبیه دانست. جوکر در عین اینکه یک دیوانه به نظر می‌آید، کاملاً باهوش و دقیق است. او می‌تواند یک تهدید بزرگ به حساب آید که حتی اگر نباشد، کسانی هستند که راه او را ادامه داده و حتی حاضر باشند برای اهداف او فدا شوند. اما در دیگر سو «بتمن» شخصیت



سعید کریم پور
فارغ التحصیل حقوق

سینما همیشه متأثر از اتفاقاتی است که پیرامون جهان رخ می‌دهد. تاکنون صدها فیلم در مورد جنگ جهانی دوم ساخته شده و یا حداقل به طور غیرمستقیم به آن ارتباط داشته است. در عین حال سینما این هنر را دارد که بتواند همه چیز را در چند دقیقه به ما نشان دهد و همین می‌شود یک سناریوی کامل از یک رویداد!

دنیای سیاست نیز همیشه برای سینما جالب بوده و در عین پیچیدگی همیشه سینما سعی کرده از آن غافل نماند. شاید یکی از معروف‌ترین هنرمندانی که سیاست در آثار او تم پررنگی را شامل می‌شود، «اولیور استون» باشد. او فیلم‌هایی مانند «نیکسون»، «جی اف کی» و «دبلیو» (داستان زمامداری جرج دبلیو بوش) را کارگردانی کرده و حتی پیگیر ساخت فیلمی درباره رییس جمهور پیشین ایران نیز بود؛ با کنار رفتن اوباما شاید او از همین الان به فکر ساخت اثری دیگر درباره نخستین رییس جمهور سیاه پوست آمریکا باشد. با این حال هنرمندان دیگری نیز بوده اند که در آثار خود به سیاست نیم‌نگاهی داشته‌اند.

یکی از شاخص‌ترین فیلم‌ها در این حوزه «شوالیه تاریکی» ساخته «کریستوفر نولان» بود که در سال ۲۰۰۸ ساخته شد. نولان این فیلم را با هنرمندی تمام تولید کرد و شاید شوالیه تاریکی امروز ماندگارترین فیلم ابرقهرمانی باشد. با نگاهی به دنیای سیاست در زمان ساخت این فیلم می‌توان آن را بهتر تحلیل کرد. درست همان سال‌ها بود که «جرج بوش»، رییس جمهور آمریکا، دو جنگ بزرگ علیه تروریسم در منطقه خاورمیانه را به راه انداخت.

همان زمان بود که حوادث ۱۱ سپتامبر مانند یک شوک بزرگ جهان را غافل گیر کرد و آمریکا در پی این اتفاقات به افغانستان و عراق حمله نمود. با این حال پس از این دو جنگ، بوش به عنوان یک متهم همیشه مورد این انتقاد قرار داشت که در این

در خدمت و خیانت جلال

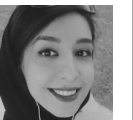
نگاهی به مستند «نویسنده بودن»

فیلم شرحی بر زندگی خصوصی و دغدغه‌های شخصی جلال نیز دارد مانند نام بردن از کتابی که کمتر به آن پرداخته شده؛ «سنگی بر گوری». کتابی که مهم‌ترین دغدغه نویسنده از نگارشش پرداختن به موضوع شخصی نداشتن بچه است. از زبان ناصر تقوایی می‌شنویم که سنگی بر گوری شاهکار جلال است. هم‌چنین یک فصل از فیلم به نام «سیمین» همسر جلال آل احمد اختصاص یافته که در آن شاهد نمایان شدن نکات ظریفی از اختلاف شمس آل احمد (برادر جلال) و سیمین دانشور هستیم. آثار جلال از قبیل خسی در میقات، از رنجی که می‌بریم، مدیر مدرسه، زن زیادی و... به صورت مختصر معرفی می‌شوند. با وجود این که جا دارد این آثار ارزشمند و نوع نثر جلال بیشتر بررسی شوند، در «نویسنده بودن» بیشتر به ابعاد مردمی، سیاسی و اجتماعی شخصیت جلال پرداخته می‌شود تا توجه به جلال به عنوان یک نویسنده که شاهکار زندگی‌اش را در نویسنده بودنش می‌توان یافت. به هر حال مستند «نویسنده بودن» ارزشمند هست زیرا کسی را به تصویر می‌کشد که دردهای مملکت را می‌دیده و متأثر می‌شده، نویسنده‌ای که هرگز به قصد نان خوردن قلم نزد



فکری و سیاسی نمانده و به اصطلاح از این شاخه به آن شاخه پریده است. در جای جای این مستند منتقدین همواره یادآور می‌شوند که جلال را در زمان خودش بسنجیم و به خاطر داشته باشیم که او متعلق به دهه ۳۰ و ۴۰ است نه شخصیتی در این روزها.

بوده است. از اندیشه‌های مذهبی-اسلامی که نشأت گرفته از خانواده وی بوده تا اندیشه‌های مارکسیستی و اگزیستانسیالیسم او که مخاطب را به این نتیجه می‌رساند که این جریان روشنفکری بوده که ثبات نداشته و جلال به دلیل پویایی اندیشه‌اش در یک گروه خاص



شیوا شاهزوی
کارشناسی مدیریت بازرگانی ۹۴

سوژه مستند پرتره «نویسنده بودن» ساخته مصطفی آل احمد چه کسی هست؟ این مستند روایتگر زندگی تأثیرگذارترین شخصیت دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی و سمبلی از جامعه‌ی روشنفکری آن عصر یعنی جلال آل احمد است. سوژه فیلم شخصیتی هست که موافقان و مخالفان بسیاری در بدنه جریان روشنفکری دارد و این سوژه با این همه پیچیدگی کار را برای فیلمساز دشوار کرده است. مصطفی آل احمد سعی کرده تعادلی از تضاد نقدهایی به نسبت تند و همین‌طور تمجیدهایی در مورد جلال را در فیلم بگنجانند اما شاهد این موضوع هستیم که زمان اختصاص یافته به نقدها بسیار کوتاه‌تر از تمجیدهاست و افراد انتخاب شده برای نقد مانند (امیرحسین چهل تن) دارای شخصیت و لحنی تأثیرگذار در مخاطب نیست. در طول فیلم طیف افرادی از قبیل شمس آل احمد، عبدالله انوار، لیلی گلستان و محمد بهارلو درباره‌ی جلال صحبت می‌کنند که این صحبت‌ها در ارتقای شان برای جلال در منظر مخاطب موفق

آخرین وداع

گزارشی از تأثیر «مهمانی خورشید»

را درگیر کند. به طور مثال صحنه‌ای که می‌توانست تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد صحنه بزم و شادی امیران لشکر بود که تنها با داستان‌هایی کوتاه از کشتارها به آن خاتمه داده شد و در آن لحظه تغییر فضا و ترسی که بین امیران می‌افتد، از وجود دستی نامرئی که جملاتی بر روی دیوار می‌نویسد، نیز از لحاظ اثر گذاری کافی نبود. در پایان اجرا نظرات مثبت زیادی را از مخاطبین شنیدیم که نشان دهنده این بود که اجرا توانسته بود در خارج از دامنه متن، به کمک نقش پردازی بازیگران، خودش را در دل آنها جا کند.

که گاه و بیگاه با نمایش همراه می‌شوند نیز چشم‌پوشی کرد. از این‌رو می‌شود «مهمانی خورشید» را اجرایی دارای زیبایی‌های خاص دانست که با کنار هم قرار دادن پیشکسوتان و تازه‌کاران متأثر، نمایش خوبی از آب درآمده بود اما اجرای آن می‌توانست با ضرابه‌نگی تأثیرگذارتر هم پیش برود. در حقیقت اجرای بازیگران در سطح بالایی بود و تنها شاید متن داستان باید اندکی بیشتر پرداخته می‌شد. متن آغاز خوبی دارد که به معرفی سه شخصیت نمایش می‌پردازد اما در ادامه اندکی تضعیف می‌شود. نمایشنامه‌ای با درونمایه مذهبی می‌تواند بیشتر از این احساسات

و راهب تمام ثروت خود را به امیر لشکریان می‌دهد تا بتواند شب تا سحر را با سر مبارک امام حسین(ع) به راز و نیاز بپردازد. در واقع تئاتری موفق است که در نگاه اول بتواند با مخاطبش ارتباط بگیرد. تأثیر «مهمانی خورشید» در وهله اول با موضوع مذهبی خود و بخصوص تناسبش با حال و هوای ماه صفر در دل خیلی از تماشاچیان می‌نشیند و در ادامه با طراحی دکور و لباس‌ها هر دو گروه مخاطب را، چه آنهایی که داستان را بارها شنیده‌اند و چه آنهایی که داستان تازه‌ای را می‌بینند و می‌شنوند، محو داستان می‌کند. البته نمی‌شود از جلب توجه موسیقی‌هایی



نیلوفر عادل
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

تأثیر «مهمانی خورشید» به نویسندگی و کارگردانی «قاسم حقیقی» از ۱۷-۲۵ آبان‌ماه در مشهد روی صحنه رفت و با استقبال تقریباً خوبی روبه‌رو شد. از کارهای قبلی «قاسم حقیقی» کارگردان موفق آیینی این نمایش می‌توان نمایش‌های «ماه زخمی» و «نیلی‌ترین رخسار» را نام برد. نمایش «مهمانی خورشید» روایت شبی است که کاروان اسرای کربلا در مسیر حرکت به سمت شام در خانه راهبی مسیحی توقف می‌کنند

کافه تریا

۸

نیمه دوم آبان ۹۵

کنفدراسیون فوتبال آسیا: فغانی و تیم داوری ایرانی احترام جهانیان را به دست آورده‌اند.

کنفدراسیون فوتبال آسیا روز یکشنبه در مراسمی که در کوالالامپور مالزی انجام شد، از ۶ داور آسیایی تقدیر کرد. به گزارش وقایع‌اتفاقیه، به نقل از سایت رسمی کنفدراسیون فوتبال آسیا، تیم داوری مردان شامل داوران ایرانی بود. علیرضا فغانی به عنوان داور وسط و رضا سخندان و محمدرضا منصوروی دستیاران او بودند که از طرف کنفدراسیون فوتبال آسیا به علت قضاوت‌های بی نقصشان مورد تمجید و تکریم قرار گرفتند و به عنوان بهترین داوران مرد آسیا انتخاب شدند. در این مراسم، شیخ سلمان ابراهیم باین کرد: «داوران آسیایی امسال در عرصه های جهانی درخشیده اند و با قضاوت‌های خوبشان نشان داده اند که چقدر پیشرفت کرده ایم. داوران آسیایی با قضاوت‌های خوبشان نشان داده اند که جهانیان باید به آنها احترام بگذارند.» فغانی، سخندان و منصوروی امسال با قضاوت در فینال مسابقات فوتبال مردان المپیک برای آسیا افتخار آفرینی کرده اند و تاریخ ساز شدند. آنها در مسابقات آسیایی سال ۲۰۱۵ نیز دیدار نهایی میان تیم‌های کره و استرالیا را قضاوت کردند. این گروه داوری همچنین فینال جام باشگاه‌های جهان میان تیم‌های بارسلونا و ریور پلاته را نیز به خوبی سوت زدند.



توقف در باتلاق

نگاهی به وضعیت تیم‌های آسیایی برای صعود به جام جهانی



نزدیک شود. تیم‌های مدعی قاره‌ی کهن برای رسیدن به بلیط سفر بزرگترین تورنمنت دنیا در حالی روز پایانی مرحله رفت انتخاباتی را پشت سر گذاشتند که هر یک برای رسیدن به اهداف خود سختی‌ها و دشواری‌های زیادی را تحمل کردند تا لذت رقابت فوتبالی در قاره‌ی کهن به اوج خود برسد. کره جنوبی با ۸ بار حضور در جام جهانی در میان تیم‌های آسیایی رکورددار است و نخستین تیم آسیایی است که به نیمه‌نهایی جام جهانی در سال ۲۰۰۲ که میزبانی آن را بر عهده داشت راه یابد بنابراین از نگاه آماری شاید کره سخت‌ترین حریف ایران در راه جام جهانی باشد اما چند برد شیرین کی‌روش مقابل کره و تجربه شیرین دوره قبل باعث می‌شود تا با نگاهی مثبت به هم گروهی با چشم‌بادامی‌ها نگاه کنیم.

دیگر هم گروه ایران در این مرحله از مسابقات مقدماتی جام‌جهانی روسیه تیم ازبکستان است که تاکنون موفق به حضور در جام جهانی نشده است، در واقع پس از مناقشات اخیر ایران و عربستان و شیطنت سعودی‌ها برای بازی نکردن در ایران قرعه ازبکستان یک قرعه مناسب و بی دردسر محسوب می‌شود. فوتبال روسیه با اینکه از نظر رتبه‌بندی فیفا فاصله‌ی زیادی با ایران دارد اما همیشه حریف

نشستن ، سیگار کشیدن است!

مضرات بی‌حرکی در جامعه امروزی

بیماری‌ها خصوصا در کشور ما مورد غفلت واقع شده است. متأسفانه نداشتن فعالیت فیزیکی هم در کودکان و هم در افراد بالغ به وفور مشاهده می‌شود، این موضوع موجب شده که بسیاری از عوارض و مشکلات ناشی از عدم فعالیت فیزیکی در همان دوران کودکی بروز کند و تا سال‌ها باقی بماند. اما اصلی‌ترین مشکلی که در اثر کم‌حرکی و نداشتن فعالیت جسمانی بوجود می‌آید، اضافه وزن و چاقی است، چرا که افراد کم‌تحرك، کالری مصرفی خود را نمی‌سوزانند و فعالیتی برای سوختن انرژی ندارند. در پی چاقی نیز افراد به بسیاری از بیماری‌ها مبتلا می‌شوند که در اصل منشا همه‌ی این بیماری‌ها همان کم‌حرکی است. از جمله دیابت مخصوصا از نوع ۲ است، چرا که با افزایش چربی بدن، مقاومت بدن در اثر هورمون انسولین افزایش می‌یابد. افرادی که اضافه‌وزن دارند نسبت به افراد طبیعی ۲ برابر بیشتر در معرض ابتلا به دیابت هستند و این میزان در افرادی که چاقی شدید دارند، به بیش از ۵۰ برابر می‌رسد. دیابت، زمینه‌ساز مرگ زودرس، بیماری‌های قلبی و کلیوی، سکته مغزی و نابینایی است. پرفشاری خون نیز از دیگر انواع این بیماری است. اضافه‌وزن و چاقی از طریق مکانیسم‌های متعدد از جمله تاثیر برگردش خون و سیستم هورمونی بدن، باعث افزایش فشارخون می‌شود که یکی از شایع‌ترین عوارض چاقی است. پرفشاری خون نیز همچون دیابت، عامل زمینه‌ساز بیماری‌های قلبی، کلیوی و است.

این سیاستمداران ورزشی

از ترامپ آرنالی تا احمدی‌نژاد استقلالی

شروین رضایی

کارشناسی ارشد مهندسی عمران ۹۳



هرچقدر هم که علاقه‌مندان به فوتبال از لزوم استقلال این رشته ورزشی صحبت کنند، اما علاقه سیاستمداران و سردمداران کشورها به مستطیل سبز سبب می‌شود تا ناخودآگاه در فرصت‌های مختلف به اتفاقات مختلف ورود کنند و شاید حتی در برخی زمان‌ها استقلال فوتبال را هم زیر سوال ببرند. اما سیاستمداران دنیا هوادار چه تیم‌هایی هستند؟ ترامپ، رییس‌جمهور تازه آمریکا از علاقه‌مندان به فوتبال است و شدیداً پیگیر دیدارهای آرنسال در لیگ برتر جزیره است. تروتمند آمریکایی حتی در مصاحبه‌ای گفته که حاضر است تا ۵۰ سال دستمزد مربی آرنسال را بپردازد. البته ترامپ که به خلق و خوی خاص و گفتن هر حرفی مشهور است، به آرنسن ونگر، سرمربی سال‌های اخیر آرنسال هم توصیه کرده: «برو به جهنم!» آرنسن ونگر سال‌هاست که سرمربی توپچی‌های لندن است اما برخلاف سال‌های نخست حضور در این تیم نتوانسته نتایج خوبی بگیرد. جالب است بدانید که علاقه به فوتبال در بین سیاستمداران تنها محدود به مردان نمی‌شود. آنجلا مرکل ۶۲ ساله، صدراعظم آلمان هم از هواداران پر و پا قرص فوتبال است. جدا از حضور همیشگی خانم مرکل در ورزشگاه برای از نزدیک دیدن مسابقات کشورش در جام جهانی و جام ملت‌های اروپا، بورسیادورتموند تیم مورد علاقه این زن سیاستمدار در فوتبال آلمان است. اما در ایران، داستان به شدت فرق می‌کند، کمتر سیاستمدار ایرانی را می‌توانید ببینید که علناً از علاقه ورزشی‌اش صحبت کند. بدون شک ترس از غضب هواداران تیم مقابل در رابطه با این نسبت می‌دهند. جالب است بدانید هر سه قهرمانی استقلال در پانزده دوره لیگ برتر فوتبال، در دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد رقم خورده‌است. از آن‌سو رییس دولت اصلاحات نیز گفته می‌شود از علاقه‌مندان به پرسپولیس است. از وی خاطره‌ای هم حتی در این خصوص وجود دارد که می‌توان دلیلی برای اثبات پرسپولیسی بودنش در نظر گرفت. در سال ۷۷، زمانی‌که باشگاه الاسد قطر سر قرارداد علی دایی از پرسپولیس شکایت کرد و فیفا قرمزپوشان را به جریمه‌ای سنگین محکوم کرده‌بود، وی در دیدار با امیر قطر بر سر این مساله نیز صحبت کرده‌بود و خواستار پادرمیانی امیر قطر برای حل این مشکل بدون پرداخت غرامت شده‌بود. فرزندان هاشمی رفسنجانی هم از قاعده قرمز و آبی مستثنی نیستند. در این خانواده هرچقدر محسن استقلالی است، یاسر و مهدی پرسپولیسی محسوب می‌شوند. در ۱۰، ۱۵ ساله اخیر البته با توجه به حضور سیاستمداران در ترکیب هیات‌مدیره سرخابی‌های پایتخت، راحت‌تر می‌توان به آبی یا قرمز بودن سیاسیون پی برد. حبیب کاشانی و حسن بیادی، از اعضای سابق شورای شهر تهران که جزو حامیان سرسخت قالیباف محسوب می‌شوند، مدتی را به عنوان اعضای هیات‌مدیره و مدیرعامل پرسپولیس مشغول به کار بودند. در زمان مدیرعاملی کاشانی بود که آخرین قهرمانی پرسپولیس در لیگ برتر رقم خورد. حالا از آن روزها بیش از ۱۰ سال می‌گذرد، حاج حبیب هم در این بازه علاوه بر شورای شهر دوباره به پرسپولیس بازگشت اما با آوردن استیلی و ثبت بدترین نتایج ممکن، از پرسپولیس بی‌سر و صدا رفت. امیدوار رضایی، معاون قوانین فعلی مجلس شورای اسلامی و برادر سردار محسن رضایی که سابقه حضور در مجلس را از دوره پنجم دارد، چند دوره در ترکیب هیات مدیره استقلال حضور داشته و از استقلالی‌های سرسخت محسوب می‌شود. گفته می‌شود سردار رضایی هم در گروه استقلالی‌های متعصب جای دارد. البته نباید فراموش کرد در ترکیب‌بندی‌ها و چینش افراد در هیات‌مدیره تیم‌های استقلال و پرسپولیس، در بسیاری از موارد تفکرات سیاسی و برنامه‌ریزی‌ها روی شخص است که لحاظ می‌شود و صرفاً حضور فردی در ترکیب هیات‌مدیره پرسپولیس دلیلی بر قرمز بودن شخص نیست. برای مثال در خصوص افشارزاده همواره این موضوع مطرح بود که یک پرسپولیسی به صندلی مدیرعاملی استقلال رسیده‌است.

پریسا علیزاده

کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳



دیدار ایران و سوریه در هفته پنجم مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه همانند دیدار پیشین ایران باز هم خبرساز شد! تیم سوریه که به علت ناامنی در این کشور از میزبانی رقابت‌های بین‌المللی محروم است مالزی را به عنوان محل برگزاری دیدارهای خانگی معرفی کرده است. تیم ایران در حالی مقابل سوریه قرار می‌گیرد که صدرنشین گروه است و انتظار می‌رفت با کسب پیروزی این بازی مهم با اعتماد به نفس جایگاهش را در صدر جدول محکم کند و یک قدم به روسیه نزدیکتر شود. دیدار ایران و سوریه که ابتدا قرار بود ساعت ۱۵:۳۰ به وقت تهران برگزار شود به دلیل بارندگی و وضعیت آب و هوایی نامناسب با ۴۵ دقیقه تاخیر برگزار شد، در شرایطی که بازی با برتری ایران پیش می‌رفت در نهایت شاگردان کی‌روش در زمین نامساعد و شرایط غیر استاندارد استادیوم تانکو عبدالرحمان نتوانستند تویی را از دروازه‌بان نه چندان جوانمرد سوریه عبور دهند و در نهایت به تساوی بدون گل رضایت دادند. سوریه که تنها راه برای متوقف کردن ایران را در بازی خشن و دفاعی دیده بود بارها روی اعصاب و روان شاگردان کی‌روش می‌رفت تا بلکه با استفاده از حربه جنگ‌های روانی و تن به تن برای رسیدن به هدفش سود ببرد. برگزاری مسابقه ایران مقابل سوریه در ورزشگاه تانکو عبدالرحمان شهر سرمبان مالزی تبدیل به موضوعی کاملاً جدی در مطبوعات ایران شده است به خصوص که شرایط نامساعد برگزاری این دیدار و قابل پیش‌بینی بودن این شرایط مسئولیت ناظرین بازی را سنگین‌تر نیز کرده است. در حالی‌که هفته پنجم رقابت‌های مقدماتی جام جهانی را پشت سر گذاشتیم و در فاصله‌ی نزدیک ۶۵۰ روز تا شروع جام جهانی رقابت‌های مقدماتی این تورنمنت به روزهای سخت و پیچیده خود در قاره‌های مختلف نزدیک می‌شود. دور رفت انتخاباتی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه در قاره‌ی آسیا با صدر نشینی ایران و عربستان در گروه‌های مختلف به پایان رسید تا رفته رفته بازی‌ها به روزهای حساس خود

نرگس جعفری

کارشناسی علوم ورزشی ۹۳



به تازگی سازمان بهداشت جهانی (WHO) اعلام کرده است که عدم فعالیت بدنی چهارمین علت مرگ و میر در جهان است.

در حقیقت نشستن، آن هم برای ساعت‌های طولانی یا همان بی‌حرکی از جنبه‌های گوناگون، برای سلامت انسان مضر است. جالب است بدانید که خطر نشستن تا آنجاست که متخصصان امر، آن را در ردیف سیگار کشیدن قرار داده‌اند.

بی‌حرکی فقط به استراحت در تخت اطلاق نمی‌شود، کارمندی که ساعت‌ها پشت یک میز بنشیند، به درجاتی از بی‌حرکی مبتلاست. در واقع اگر کمتر از پنج هزار قدم در روز یعنی کمتر از سه کیلومتر در روز پیاده‌روی می‌کنید، زندگی بی‌حرکی دارید و در این‌صورت خطر بیماری‌ها شما را تهدید خواهد کرد. در چند سال اخیر، تحقیقات گسترده‌ای برای سنجش میزان سلامت افراد کم‌تحرك یا کارمندانی که بنابه موقعیت شغلی، ساعات زیادی را پشت میز می‌نشینند، صورت گرفته است. متأسفانه نتیجه عمومی این تحقیقات نشان می‌دهد افرادی که سبک زندگی کم‌تحركی دارند، حتی با انجام فعالیت‌های ورزشی نیز از خطرات مربوط به نشستن در امان نخواهند بود. براساس مطالعات انجام شده کاهش فعالیت فیزیکی در مقایسه با مصرف دخانیات، چاقی و دیابت، مرگ و میر بیشتری را بدنال داشته است، اما متأسفانه کم‌حرکی بیشتر از دیگر موارد در حوزه پیشگیری از

نیم نگاه ویژه

جایزه آلمانی برای آهنگساز ایرانی

کیهان کلهر، آهنگساز و نوازنده بین‌المللی کمانچه که این روزها نام او به علت دو برنامه برگزاری تور کنسرت‌های «بردگیان باغ سکوت» و کنسرت دو نوازی همراه با اردال ارزنجان، نوازنده باغلاما از ترکیه سر زبان‌هاست، برنده جایزه انجمن منتقدان موسیقی ضبط شده آلمان شد. این جایزه برای آلبوم «هاونیاز»(Hawniyaz) به کیهان کلهر تعلق گرفته است که در دسته موسیقی «فولک / ملل» قرار می‌گیرد. پیش از این نیز در سال ۲۰۱۳، آلبوم «Kulakulik Yakisirmisi» کلهر به همراهی اردال ارزنجان، به دریافت این جایزه نایل شده بود. «هاونیاز» نام آخرین آلبوم رسمی منتشره کلهر با آهنگ‌سازی و نوازندگی اوست. کیهان کلهر، «هاونیاز» را به‌صورت موسیقی ترکیبی ساخته که متشکل از موسیقی فولکلور گردی، با گویش کرمانجی و نوازندگی شاه‌کمان توسط خود اوست. در این اثر، سلمان قمبرف نوازنده اهل آذربایجان با پیانو و جمیل گوچگیری نوازنده ترکیه‌ای تنبور همراه کلهر هستند. جایزه انجمن منتقدان موسیقی ضبط شده آلمان از سال ۱۹۸۰ برای تنظیم نمودن دقیق‌ترین استانداردها در زمینه دستاوردهای ممتاز و باکیفیت در حوزه موسیقی ضبط شده (ریکورد) تأسیس شده است. انجمن منتقدان موسیقی ضبط شده آلمان شامل ۱۵۶ نفر از منتقدان موسیقی، نویسندگان، موسیقی شناسان و سردبیران در آلمان، اتریش و سوئیس است که به‌طور فعال در ارزیابی «سی دی» ها و «دی وی دی» ها نقش دارند.



هر سلیقه، یک ملودی

درنگی بر موسیقی راک

پانک به وجود آمد اما از لحاظ ساختاری شبیه به سبک های قبل از خود نبود. به همین دلیل به آن آلترنیتیو (جایگزین) گویند چون جنبه متفاوتی دارد. پانک راک: در اواخر دهه ۶۰ و ۷۰، رویداد های اجتماعی آن زمان مانند جنگ ویتنام، تورم و بیکاری و ... را در خود منعکس می کرد. در زمانی که ارتباط موسیقی با مسایل روزمره کم می شد، سبک پانک ایجاد شد.

موسیقی راک بسیار وسیع است و سبک های آن صرفا به این موارد محدود نمی شود.

با توجه به تعاریف و توضیحات داده شده، می توان به این نتیجه رسید که بهترین توصیف برای این سبک در این جمله خلاصه می شود: «هر سلیقه، یک ملودی!»

موسیقی راک، سبکی متفاوت از موسیقی سنتی و قدیمی است که همه نشان از عشق و زیبایی و احساسات بودند. این موسیقی از دل یک اجتماع ستم دیده بیرون آمد و نگاهی نو به قضایا داشت؛ شاید به دلیل همین تفاوت ها و همچنین روحیه آزادی خواهانه و اعتراض آمیز آن بود که به جوانان شور و نشاط می داد و آن ها را برای درک زندگی و تلاش ترغیب می کرد.

نگار سنگتراش

کارشناسی شیمی کاربردی ۹۳



برای شناخت و درک موسیقی هر خواننده باید سبک آن را شناخت. بارها آهنگ هایی راشنیده ایم که به مذاق ما خوش نیامده اما شاید پس از شناخت و درک این موضوع که آن ملودی و ترانه در چه شرایطی و با چه مضمونی ایجاد شده، شنیدن آن برای ما دل نشین شود. شخصیت هایی که در ادامه معرفی شده اند، همگی در سبک هایی که هر یک زیرشاخه ای از سبک «راک» هستند فعالیت می کنند. ابتدا این سبک را معرفی می کنیم تا درک کلی از آثار معرفی شده داشته باشیم.

موسیقی راک سبکی جذاب است که با تلفیق و متأثر شدن از سبک هایی مانند بلوز و کانتری و همچنین تاثیراتی از موسیقی جاز، کلاسیک و ... در دهه ۵۰ میلادی با اضافه شدن نوای ساکسوفون و گیتار الکتریک با ضرباهنگ قوی، تحت عنوان «راک اند رول» شکل گرفت و از دهه شصت به بعد طیف گسترده ای از سبک های آن به وجود آمد. ترانه در موسیقی راک می تواند به مراتب پر اهمیت تر از فرم موسیقی از

لحاظ ساختار هارمونیک باشد، چرا که موسیقی راک، خود زاینده ی شرایط اجتماعی خاص در دهه های ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ است. آوازهای راک، در حقیقت بازتاب شیوه ی زندگی آمریکایی بود. تقلا برای کسب حقوق اجتماعی و همچنین مبارزه با تبعیض نژادی، از جمله مثال هایی برای محتوای آواز های راک در آن زمان بود. از مثال های معروف در این مورد می توان به ترانه «Blowin' In The Wind» باب دیلن که مضمون آن تبعیض نژادی است، اشاره نمود. به طور کلی مهمترین مسئله در موسیقی راک لحن اعتراض آمیز و تهاجمی و همچنین خشونت است که در آن نهفته است. حتی اگر موسیقی راک را بدون کلام در نظر بگیریم، باز هم اعتراض و خلق و خوی تهاجمی در ملودی های گیتار و ریتم درامز باقی می ماند. راک همان انزجار از سقوط انسان است که این انزجار، اعتراض به همراه دارد و ساز و آواز وسیله ای است برای فریاد، فریادی که گاه از حنجره بیرون می آید و گاه از سیم های گیتار. پس تاکید بر نوازندگی در موسیقی راک نسبت به پاپ از اهمیت بیشتری برخوردار است. شاخصه موسیقی راک ملودی صوتی و آوایی هارمونیک است که توسط گیتار الکتریک، گیتار باس و درامز

نیمه ی تاریک ماه

پینک فلوید



مهدی فرزین

کارشناسی مهندسی کامپیوتر ۹۳

پینک فلوید یکی از تاثیرگذارترین گروههای موسیقی راک انگلیسی است که توانست با موسیقی پراگرسیو، اشعار فلسفی، استفاده از تجربیات صوتی و خلق اجراهای زنده استادانه به موفقیت‌های چشمگیر بین‌المللی دست یابد و به یکی از محبوب‌ترین و تاثیرگذارترین گروه‌های تاریخ موسیقی بدل شود. پینک فلوید در سال ۱۹۶۵ توسط «سید برت»، «نیک میسن»، «رجس واترز» و «ریچارد رایت» تشکیل شد. آن‌ها در اواخر دهه ۶۰ میلادی و تحت رهبری سید برت دو تک آهنگ موفق منتشر و سپس با موفقیت اولین آلبوم خود به نام «یزن بر دروازهای سپیده‌دم» را عرضه کردند و به شهرت رسیدند. «دیوید گیلمور» در دسامبر ۱۹۶۸ به عنوان پنجمین عضو به گروه پیوست و به تدریج جایگزین سید برت شد. پس از جدایی برت از «پینک فلوید»، «رجس واترز» تبدیل به شاعر اصلی آهنگ‌های گروه شد و جایگاه خود را پیش از پیش تثبیت کرد. در این زمان بود که پینک فلوید با آلبوم‌های مفهومی تحسین شده‌شان همچون «نیمه تاریک ماه»، «کش اینجا بودی»، «جانوران»، «دیوار» و «برش نهایی» به شهرت جهانی دست پیدا کردند.

پس از حدود دو دهه اعضای گروه «گیلمور، واترز، رایت و میسن» برای اجرایی خیره‌لوانه در اجرای «لاپو» دوباره گرد هم آمدند. سید برت در سال ۲۰۰۶ و ریچارد رایت در سال ۲۰۰۸ درگذشتند که بدین ترتیب این اجرا تبدیل به آخرین اجرای اعضای گروه با حضور تمام اعضا شد. پینک فلوید در سال ۱۹۹۶ به تالار مشاهیر راک اند رول ایالات متحده و در سال ۲۰۰۵ به تالار مشاهیر موسیقی پادشاهی متحد راه یافت. آثار این گروه تا سال ۲۰۱۳ بیش از ۲۵۰ میلیون نسخه در سراسر جهان و ۷۴ میلیون نسخه تنها در ایالات متحده فروش داشته است و به همین دلیل پینک فلوید در زمره پر فروش ترین هنرمندان موسیقی در دنیا به شمار می‌رود. همچنین از «آلبوم نیمه تاریک ماه» به عنوان یکی از موفقیت آمیز ترین و پر فروش ترین آلبوم‌های تاریخ راک در تمام دوران‌ها یاد می‌شود. این آلبوم توانست به رتبه فروش ۱ در ایالات متحده دست پیدا کند و چهارده هفته در جدول باقی بماند. تاکنون بیش از ۴۰ میلیون نسخه از این آلبوم در سراسر جهان به فروش رسیده است.



۳۰ سال بدون توقف

برایان آدامز

حمیدرضا علمبردانی
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

۳۲ سال از انتشار آلبوم پر فروش «برایان آدامز» که هفته ها در چارت بیلبورد رتبه اول را اتخاذ کرده بود با نام «بی پروا» می گذرد؛ آن جوان ۲۵ ساله امروز ۵۷ سال سن دارد و در طول سال های فعالیت خود موفقیت های زیادی از جمله جایزه معتبر گرمی و جایزه ی معتبر آهنگسازان و ترانه سرایان «ایوو نولو» را در کارنامه کاری خود ثبت کرده، آدامز همچنین ۵ بار نامزد دریافت گلدن گلوب و ۳ بار نیز کاندید دریافت جایزه ی آکادمی اسکار برای موسیقی فیلم نیز شده است.

نقطه ی عطف کاری او در دهه ی هشتاد همان آلبوم «بی پروا» بود؛ در دهه ی نود نیز حاصل تلاش های او ۴ آلبوم دیگر بود که از بهترین های آن می توان آلبوم «در روزی مانند امروز» نام برد.

برایان آدامز در طول فعالیتش از تمام انرژی خود استفاده کرده، در کارهای او حس کمال گرایی مشاهده می شود اما هیچگاه خلاقیت هایی که از خوانندگانی در سطح برایان انتظار می رود در او مشاهده نشد.

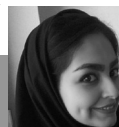
از نظر نویسنده این متن کارهای او بعد از آلبوم سال ۲۰۰۶ به نام «Room Service» سیری نزولی پیدا کرد. کیفیت متن ترانه ها افت پیدا کرده بود. صدای خش دار و گرفته اش جذابیت سابق را نداشت. در اجراهای زنده اش خلاقیت های کمی دیده می شد و انرژی سابق را نمی توانستیم در اجراهای او پیدا کنیم.

در مجموع برایان آدامز هنوز نیز جزو برترین خوانندگان سبک راک به حساب می آید. حس و حالی که در ترانه هایش به شنونده منتقل می کند غیر قابل وصف است، در مصاحبه ای که در تور ۳۰ سالگی آلبوم بی پروا که سکوی پرش او حساب می شد با مجله ی رولینگ استون انجام داد از او پرسیدند: «اوضاع در تور شما چگونه است؟» وی در پاسخ گفت: «عالی.انگار زندگی ۳۰ ساله که توقف نکرده.»



زنده باد زندگی

کلدپلی

بهاره ابراهیمی
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۴

کلدپلی (Coldplay) یک گروه آلترناتیو راک بریتانیایی است که در سال ۱۹۹۶ در لندن شکل گرفته است. «چترهای نجات» نام اولین آلبوم استودیویی این گروه است که با انتشار آن در سال ۲۰۰۰ توانستند خود را توسط آن به عنوان یک گروه بزرگ به دنیای موسیقی معرفی کنند؛ وجود آهنگ بسیار موفق «زرد» نیز در این آلبوم باعث شد تا آنها به رقیبی جدی برای هم سبکان خود بدل شوند.

انتشار آهنگ «ساعت ها» اولین آهنگ آلبوم «یورشی از خون به سر» که موفق به دریافت آهنگ سال ۲۰۰۲ از «گرمی» شد، «کلد پلی» را درخشان تر از قبل در کنار دیگر ستارگان نشان داد.

سومین آلبوم این گروه با نام «X & Y» با ترانه اصلی «speed of sound» در سال ۲۰۰۵ وارد بازار شد که توانست رتبه اول ۲۸ کشور را از آن خود کند.

آلبوم «Viva La Vida» به معنی «زنده باد زندگی» کلد پلی، آلبومی متفاوت از ۳ آلبوم قبلی بود. همانطور که از اسم این آلبوم برمی آید رگه هایی از آهنگ های اسپانیایی را داراست. در واقع این ویژگی مختص این گروه است که در ترانه های خود از فرهنگ گوناگونی وام می گیرد که بار معنایی خاصی داشته باشد و همچنین باعث متمایز شدن کلد پلی از هم ردیفانش شود. موسیقی علاوه بر اینکه ابزاری برای بیان و انتقال احساسات و به اشتراک گذاشتن آن با دیگران است در واقع زبانی مشترک و قابل درک در میان همگان نیز هست. این بُعد از موسیقی را می توان با جان اسپرند به قطعه های مختلف مجموعه ی «داستان های ارواح» به عنوان ششمین آلبوم گروه کلد پلی که کریس مارتین به شرح بخشی از احساسات متنوعش در مراحل مختلفی از عشق تا جدایی میبردازد در مه ۲۰۱۴ منتشر شد. دریافت.

«A Head Full Of Dreams» هفتمین و به نقل از کریس مارتین آخرین آلبوم استودیویی او و همراهانش بود که در ۴ دسامبر ۲۰۱۵ منتشر شد. نکته ی حائز اهمیت در خصوص این آلبوم اشارات آن به فرهنگ های آسیایی وهم چنین تاثیر پذیری دو آهنگ آن از ادبیات پارسی است.



محبوبترین های تاریخ

بیتلز

سارا شجاع
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

۴ نفر بودند. اما الان ۲ نفر ماندند...

آنها طی فعالیت در فقط و فقط یک دهه (۱۹۶۰ - ۱۹۷۰) توانستند تاثیرگذارترین و پر فروش ترین گروه راک موسیقی در قرن بیستم شوند. بار اصلی گروه بر دوش «جیمز پُل مک کارتنی» و «جان وینستون لنون» ، این دو عضو از گروه بود. که البته «جان لنون» یکی از برجسته ترین چهره های صلح طلب و مخالف خشونت در جهان ، در سال ۱۹۸۰ و در سن ۴۰ سالگی به ضرب گلوله کشته شد. بیتل ها دو عضو دیگر هم داشتند که «جورج هریسون» و «رینگو استار» بودند. که متأسفانه هریسون هم در ۵۸ سالگی به علت ابتلا به سرطان درگذشت. موفقیت ها و محبوبیت های این گروه بدون شک در تاریخ بی بدیل است. آنها در سال ۲۰۰۸ در مجله بیلبورد بین ۱۰۰ هنرمند برتر تاریخ، رتبه ی اول را کسب کردند.

همچنین این گروه در مجموع ۱۰ جایزه گرمی ، یک جایزه آکادمی و ۱۵ جایزه آیور نولو را از آن خود کرده است. و اما اگر بخواهیم از آثار ماندگار این گروه بگویم، شاید معروف ترین اثر، آهنگ «دیروز» از آلبوم (کمک) باشد که مک کارتنی به تنهایی این اثر را در سال ۱۹۶۵ خلق کرده است. حتی جالب است که مک کارتنی در ابتدا تصور می کرد که به صورت ناخود آگاه این آهنگ شبیه آهنگ دیگری شده است. او در این باره می گوید: «مدت ها این آهنگ را برای دوستان و همکارانم می خواندم و از آنان سوال می کردم، که آیا تا به حال این آهنگ را قبلاً در جایی شنیده‌اند؟»

این اثر بسیار موفق با حدود ۳۰۰۰ کاور مختلف، بیشتر از هر آهنگ دیگری بازخوانی شده و در گینس ثبت شده است.

از دیگر آثار محبوب «بیتلز» موزیک خاص و دلنشین «میشل» است که در سال ۱۹۶۷ جایزه بهترین ترانه سال «گرمی» را از آن خود کرد. سخن آخر اینکه ترانه ها، سبک و اهداف بیتل ها در طول ۱۰ سال به قدری دلنشین و شیرین بوده که هنوز هم طرفداران پرو پاقرص آنها اندکی ریزش نکرده و آنها را جاودانه کرده است.



نیم نگاه ویژه

۱۰

تجلی آفرینش

آرون



مهدی میلانی راد
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

«آرون» نام گروه دو نفره ی پاپ راک فرانسوی است و دو عضو آن «سایمون بیسورت» و «اولیور کورسیر» می باشند.

اسم این گروه مخفف شده ی نام اولین آلبوم آنها است که در سال ۲۰۰۷ منتشر شد. آلبومی که توانست شهرت و محبوبیت زیادی را ابتدا در فرانسه و اروپا و سپس در سرتاسر دنیا برای این گروه به ارمغان آورد. سبک آثار این گروه را می توان «الکتروپاپ راک»، «ایندی پاپ» و «آلترناتیو راک» دانست. دومین آلبوم آرون، «Birds in the storm»، در سال ۲۰۱۰ منتشر شد و آخرین آلبوم این گروه هم «We cut the night» نام دارد که با حال و هوایی الکتروپاپ در سال گذشته انتشار یافت.

تک آهنگ هایی هم از این گروه موجود است که معروف ترین آن ترانه «Lili» است که در نوع خود بی نظیر و باشکوه است.

این ترانه در فیلمی فرانسوی به نام «Don't worry I'm fine» محصول سال ۲۰۰۶ هم پخش شده است و تاثیر گذاری آن تا حدی است که سازنده این فیلم بخاطر این آهنگ شخصیت اول داستان را «Lili» نام نهاد؛ فیلمی به تلخی خود آهنگ.

افراد علاقه مند به موسیقی اگر تا به حال از این گروه غافل بوده اند باید گفت که بخش بزرگی از احساسات نهفته در آثار موسیقایی را از دست داده اند. احساساتی که هر انسانی را از خود بی خود کرده و او را وادار به برقراری ارتباط با اثر می کند و مانند این است که حفره ای را در قلب شنونده ایجاد کند تا بستری برای تجربه حسی جدید یا حتی ترمیم حسی از گذشته، مهیا شود. چرا که موسیقی زبانی است بین المللی و حتی اگر معنی ترانه را هم متوجه نشوید باز هم تا حدود زیادی حس ترانه منتقل می شود.

در پایان خالصانه می گویم آثار این گروه چنان تاثیری در روحیه و فضای فکری شما می گذارد که انگار تازه متولد شده اید و گویی با هر اثر این گروه لحظه به لحظه آفرینش برایتان توصیف می شود.



نیش حرفه ای

استینگ



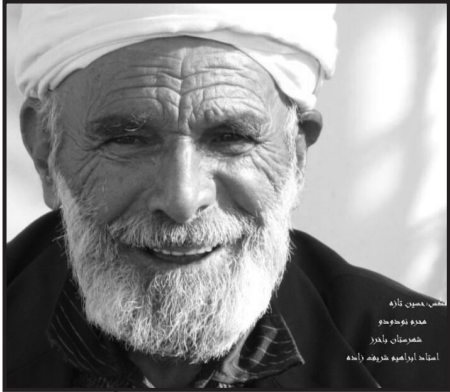
سارا شجاع
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

من اینجا به هیچ وجه قصد آن را ندارم که از شانزده جایزه گرمی و یا سایر موفقیت ها و جوایزش بگویم، من فقط قصد دارم اینجا دلایلی بیاورم که شما هم استینگ را دوست داشته باشید. (Gordon Matthew Thomas Sumner)، که هم اکنون ۶۵ سال دارد، در کنسرت هایش لباس راه زرد و سیاه (شبیه مار) بر تن می کرد و کم کم به «Sting» (به معنی نیش) مشهور شد.

استینگ در فرهنگ و محل زندگی خودش یعنی بریتانیا به عنوان فردی منزوی شهره است چراکه اونسبت به فرهنگ خودش «متعصب» نیست. او عاشق فرهنگ آسیایی هست و در کارهایش از المان های شرقی استفاده می کند. علاقه وی به این سمت از دنیا تا حدی است که هر یک از ۶ فرزند او ۲ نام انگلیسی و فارسی(عربی) دارند. او حتی قبل از انقلاب به ایران آمده بود و در کنار خواننده های مطرح آن دوره مثل بنان، شجریان و... اجرا داشته است. همچنین جالب است بدانید استینگ در عید نوروز سال ۱۳۸۰ شمسی پیغامی برای ایرانیان سراسر جهان می فرستد و در آن چنین می گوید: «من عاشق سرزمین شما هستم... افسوس که شما در آن سو و من در اینسو هستم. اگر می توانستم اکنون در کنار هم باشیم و یکدیگر را در آغوش کشیم، من تمامی آوازهای عاشقانه ام را به شما مردمان ایران تقدیم می کردم. در این زمان مقدس تحویل سال نوی خورشیدی آرزو می کنم میله ها چون کاغذی کهنه ی کاهی پاره شوند تا من بتوانم به سوی آن سرزمین پرواز کنم. اگر چنین اتفاقی افتاد تا آخر عمر در آن سرزمین زندگی خواهم کرد و همانجا به خواب آرام مرگ فرو خواهم رفت. میخواهم که آشیانه ی ابدیم نیز در آن سرزمین سبز و پر از نور و گرما باشد. در سرزمینی که موسیقی آن را «آواز فرشتگان» می دانم. او همچنین از مدافع حقوق بشر و حامی حفظ محیط زیست است که بشردوستی خود را در بعضی از آهنگهای خود (همانند آلبوم عشق مقدس) منعکس می کند. اگر بخواهیم گریزی به کارنامه هنری استینگ بزنیم به آثار معروفی مثل «desert rose» و «shape of my heart»، موسیقی فیلم «لئون (حرفه ای)» می رسیم که در ایران خیلی معروف هستند. اما اهمیت استینگ برای من بیشتر از هر چیزی شخصیت فرابرسی اش و شجاعتش است.



ابراهیم شریفزاده، خنیاگر موسیقی خراسان درگذشت.



استاد ابراهیم شریفزاده، خنیاگر موسیقی خراسان شب گذشته، ۲۱ آبان ماه، پس از تحمل یک دوره بیماری دارفانی را وداع گفت. ابراهیم شریفزاده خواننده موسیقی مقامی و خالق آثاری چون، سرو خرمان، دلبر رعنا و بهاره دختر عمو است. مستند «دلبر رعنا» با نگاه به شخصیت این استاد آواز محلی خراسان ساخته شد. همکاری وی با غلامحسین سمندری از دوتار نوازان شهیر باخرزی ۶۰ سال طول کشید. آلبوم موسیقی «خونپاش و نغمه ریز» حاصل این همکاری است. اذان معروف او که به شیوه ای منحصر بفرد خوانده می شود، توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود معطوف کرده است. تفاوت خواندن شریف زاده با سایر استادان موسیقی محلی خراسان در این بود که وی علاوه بر اجرای حزن انگیز موسیقی این خطه، نغمه هایی را به صورت حماسی اجرا کرده است که پژوهشگران معتقدند در تاریخ موسیقی خراسان هیچ کس به این صورت نمی خوانده است. استاد شریفزاده یکی از سه خنیاگر باقیمانده از نسل طلایی موسیقی خراسان بود که در شهرستان باخرز زندگی می کرد. البته سال ۹۱ که زوج هنری شریفزاده، استاد حسین سمندری درگذشت به نوعی کوچ کاروان موسیقی خراسان آغاز شد و سپس عبدالله سرور احمدی، غلامعلی پورعطایی، ذوالفقار عسکریان و نورمحمد درپور دار فانی را وداع گفتند.

نیمه دوم آبان ۹۵

عجایب فضایی

دیوید بویی



حمیدرضا علیمردانی
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۳

دیوید بویی خواننده و آهنگساز بود، نقاشی می کرد و حتی در بازیگری نیز حرفی برای گفتن داشت. محبوبیت بویی در بریتانیا زبازد بود و در همه جای دنیا نام او شنیده شده بود؛ لهجه ی غلیظ بریتانیایی، ظاهرهای عجیب و غریبش و صدای کلقت اما دلنشین او همه و همه دست به دست هم می دادند تا دیوید بویی یکی از تاثیر گذارترین خوانندگان راک لقب گیرد.

هنر وی در بیان کلمات به شیوه های نوین غیر قابل انکار بود، هرچه می گذشت صدایش پخته تر می شد، همیشه دست به نوآوری می زد تا الهام بخش سایرین در عرصه ی خوانندگی و آهنگسازی و حتی در عرصه ی مد و پوشاک باشد.

در کنسرت هایش همیشه شور و هیجان به پا بود، تماشاچیان اغلب اوقات شوخی می کرد و در تمامی مصاحبه هایش خنده در تمام مدت بر روی لب هایش بود.

بویی بازیگر نسبتا توانمندی هم بود و حتی در کارنامه اش می توان به فیلم های قابل ملاحظه ای همچون «آخرین وسوسه ی مسیح»، اثر «مارتین اسکورسزی» و «پرستیز» اثر «کریستوفر نولان» اشاره کرد.

بویی اکثر موفقیت هایش را مدیون فعالیت هایش در دهه های ۷۰ و ۸۰ میلادی است؛ او ۱۴۰ میلیون نسخه از آلبوم هایش را در سراسر جهان فروخت تا بدل به یکی برترین هنرمندان در زمینه ی فروش آلبوم شود.

دیوید بویی نمادی بود برای موسیقی راک دهه ی ۷۰؛ از بهترین و مشهور ترین کارهایش میتوان به ترانه ی «عجایب فضایی» اشاره کرد، ترانه ای که همانند نامش واقعا عجیب و حیرت آور بود. این قطعه روایتی است از سفر فضایی فرمانده تام (شخصیتی خیالی که بویی برای این ترانه خلق کرده بود و بعد ها نیز در چند ترانه دیگر او از این شخصیت استفاده شد)، فرمانده تام در آستانه ی پرتاب به فضا است و از اتناق کنترل با او ارتباط برقرار شده، اما پس از پرتاب موفق این ارتباط قطع می شود، فرمانده تام خود را در میانه های فضا رها می کند و به سوی ابدیت خویش حرکت می کند.

بویی در ماه ابتدایی سال ۲۰۱۶ و پس از مدت ها مبارزه با بیماری سرطان سرانجام در آستانه هفتاد سالگی درگذشت.



اسطوره ی بی افول

لئونارد کوهن

و الهام گرفتند و ترانه هایش را بازخوانی و بازپخش کردند (ترانه هلولیا بیش از ۲۰۰ بار بازخوانی شده است) در فیلم قاتلین بالفطره ساخته اولیور استون نیز این تاثیر به خوبی نمایان است که آغاز و انجام فیلم با دو ترانه ی کوهن است.

«لئونارد کوهن» سفرش را آغاز کرد، در جاده ای که با سرروی آغاز می شود، و از ما دور و دورتر رفت. صدای دلنشین و استثنایی او اما هرگز خاموشی ندارد و لحظه های دلنگنی و تنهایی با ما همچنان خواهد بود، چنان خودش که هرگز نایستاد و خسته نشد.

حالا یک ماه پس از انتشار آلبوم «تاریکتر میخوای اش» این هنرمند عاشق به خواب ابدی رفت تا در رویاهایش به آواز پرنندگان روی سیم گوش فرآهد.

«کارم را کار کرده ام

مرگم را مرده ام

و حالا دیگر می توانم بروم

ترک کنم چیزی را که ضروری ست

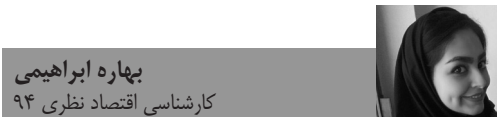
و ترک کنم چیزی را که سرشارست

حالا که دیگر مأموریتم

به پایان رسیده است

دعا کن بخشیده شده باشم

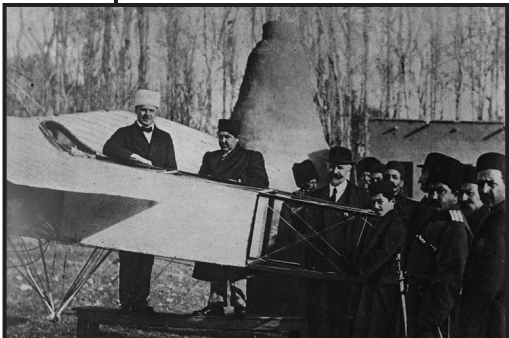
مرگم سفری دریایی ست»



بهاره ابراهیمی
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۴

شعر، موسیقی، رمان، فیلم و نقاشی اولین کلماتی هستند که با شنیدن نام کوهن در ذهن نقش می بندد. این کلمات کاملا متجلی هنری همتا و ذوق و استعداد بی نظیر فردی همچون کوهن می باشند. البته شهرت او بیشتر به خاطر موسیقیش بود.

«لئونارد کوهن» زاده ۲۱ سپتامبر ۱۹۳۴، شاعر، رمان نویس و خواننده وترانه سرای کانادایی بود. او در رشته زبان انگلیسی از دانشگاه مک گیل دانش آموخته شد و در سال ۱۹۵۵ به خاطر ۴ شعر خلاقانه اش با نام Thoughts of a Landsman جایزه ادبی Chester MacNaughton را از آن خود کرد. کوهن اولین کتاب شعرش را در سال ۱۹۵۶ در دوران دانشجویی درمونترال منتشر کرد، اولین رمان او نیز در سال ۱۹۶۳ به کتاب فروشیها آمد. درون مایه شعرهای او دین، سیاست، انزوا و روابط میان فردی است. او همچنین شاعر و مستندسازی بزرگ بود که چندین فیلم به خصوص درباره ادیان هیمالیایی ساخته است.



گرچه اولین پرواز بشر با هواپیما در سال ۱۹۰۳ توسط برادران رایت انجام شد اما ده سال طول کشید تا خلبانی لهستانی اولین هواپیما را بر فراز آسمان ایران به پرواز درآورد. «ویلبر» و «اورویل رایت» دو مخترعی بودند که در ۱۷ دسامبر ۱۹۰۳ توانستند با موفقیت اولین هواپیما را به پرواز درآورند؛ اما ده سال طول کشید تا در ششم صفر ۱۳۳۲ مصادف با ۱۴ دی ماه ۱۲۹۲ و ۴ ژانویه ۱۹۱۴ در زمان احمدشاه قاجار اولین هواپیما در آسمان ایران به پرواز درآید. عکسی که در زیر مشاهده می کنید یک سند تاریخی از اولین هواپیما در ایران است. در این عکس احمدشاه قاجار در کنار جمعی از ملازمان با خلبانی که احتمالاً «گوزمینسکی» باشد در مقابل دوربین ایستاده اند. این عکس همان عکسی است که گفته شده است احمدشاه و درباریان با هواپیما گرفته اند و در روزنامه «ایلوسترسیون» فرانسه منتشر شده است.

کافه تریا

عکس بگیریم!

سودا باقری
کارشناسی ادبیات فارسی ۹۴



بنا بر موافقت تمامی اعضای سرویس عکس موضوع این شماره «عکاسی کردن» انتخاب شد که البته ما کلیه عکس‌ها را در حیطه‌ی عکس و عکاسی برای چاپ برگزیدیم و عکس‌ها را محدود به دوربین در دست گرفتن و عکاسی نکردیم. ما را در پیج اینستاگرام نشریه (vaghaye.mag) و کانال تلگرام (@vaghayemag) دنبال کنید.



مهديه احسان
کارشناسی ادبیات فارسی ۹۲



نوشتین گنجعلی
کارشناسی فقه و حقوق ۹۳



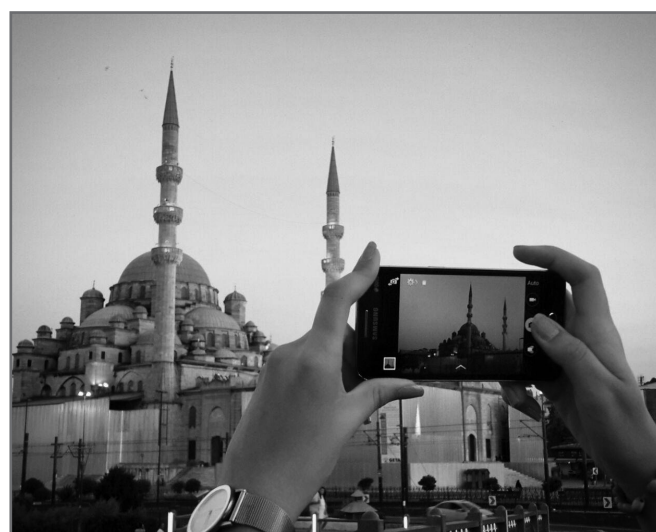
شمیم مصطفی زاده
کارشناسی ادبیات فارسی ۹۲



شمیم مصطفی زاده
کارشناسی ادبیات فارسی ۹۲



میینا مجرد
کارشناسی فقه و مبانی حقوق ۹۳



نوشتین گنجعلی
کارشناسی فقه و حقوق ۹۳

همراه با سازمان دانشجویان

یک، دو، سه
امتحان
می‌کنیم

مسابقه
نمایشنامه‌خوانی

نمایشنامه پیشنهادی:
هرک فروشنده

مهلت ثبت‌نام: ۱۰ آذرماه

ثبت‌نام به صورت فردی و گروهی انجام می‌پذیرد.

جهت ثبت‌نام با شماره ۰۲۵۹۹۰۴۴۴-۰۲۵۹۹۰۴۴۴ تماس حاصل فرمایید.

کوشش‌های پراگماتیک

نقد و نظری بر تاریخچه احزاب و جناح‌های سیاسی در ایران پس از انقلاب

جواد آرین منش
(مدیر حزب مؤتلفه اسلامی، فعال سیاسی، فعال رسانه‌ای)

حجت الاسلام مصطفی درایتی
(عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت، فعال سیاسی اصلاح طلب)

یکشنبه ۱۴ آذر، ساعت ۱۲

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تالار دکتر شریعتی

آگاهی از ضرورت نقد فیلم آشنایی با گونه‌های نقد آشنایی با مهارت‌های فیلم دیدن

نقد آشنایی با مهارت‌های فیلم دیدن

نقد آشنایی با مهارت‌های فیلم دیدن

نقد آشنایی با مهارت‌های فیلم دیدن

کارگاه آموزشی
مقدمات
نقد فیلم

جلسه اول: ۱ آذر | جلسه دوم: ۲ آذر | ۳
جلسه سوم: ۶ آذر | جلسه چهارم: ۷ آذر | ۸
مکان: دانشکده علوم ریاضی، سمینار ۳
مزایه ثبت‌نام: ۱۰ هزار تومان
علاقه‌مندان می‌توانند برای ثبت‌نام با شماره‌های
۰۲۵۹۹۰۴۴۴-۰۲۵۹۹۰۴۴۴ و ۰۲۵۹۹۰۴۴۴-۰۲۵۹۹۰۴۴۴ تماس حاصل فرمایند.

هیئت تحریریه: سرویس خبرنگار: سجاد نامور (دبیر سرویس)، محمد محبی، سهراب شریفی، محدثه احمدی، فرنام شکیبافر، علی میری، مسعود همدیمان، سرویس دارالفنون: فریبا قاسم زاده (دبیر سرویس)، پریسا فتاحی، بهاره ابراهیمی، بهنام غلامی، فرناز محمدیان، زهرا کرمی، سینا سهیلی فر، فاطمه نصیری، سرویس سینمایی: آتوسا آریایی (دبیر سرویس)، سارا شجاع، سجاد عمران، سجاد ناصری، فائزه سرفرازی، مهدی میلانی، راد، سرویس ادبی: غزل عرفانی (دبیر سرویس)، فرزانه خروشی، داوود شافروشان، محدثه هادی نژاد، اسماء سنجاقتی، مهرداد هاشمی، غزل طهماسبی، هادی قنبری، هاجر رضائی، مرتضی نادری، سرویس موسیقی: حمیدرضا علیمردانی (دبیر سرویس)، امیررضا کرامتی، نگار سنگتراش، سرویس عکس: سودا باقری (دبیر سرویس)، شمیم مصطفی زاده، مجتبی موسوی، محمد حسین سمندری، پریسا قردهاشی، سارا صداقت، سرویس ورزشی: پریسا علیزاده (دبیر سرویس)، نرگس جعفری، شروین رضائی

طراح و صفحه آرا: هومن مرادی
وبسایت: www.SDJD.ir ایمیل: vaghayemag@gmail.com
ویراستار: سحر سعادت

سامانه ۳۰۰۰۷۶۵۰۰۵۷۴۳

پل ارتباطی ما با شما مخاطبان

گرامی است. در صورت

تمایل به همکاری با نشریه،

می‌توانید کلمه «همکاری»

را به سامانه ارسال کنید.



باشگاه

مخاطبان

جدیدترین اخبار و رویدادها در

کانال تلگرام وقایع اتفاقیه:

@vaghayemagz



کافه تریا

نیمه دوم آبان ۹۵

۱۲

متن طنز

ترامپ رئیس جمهور شد!



مرتضی نادری

کارشناسی مهندسی مکانیک ۹۲

خب چیکار کنیم؟! اصلا چی کار می‌تونیم بکنیم؟! به این همه تحلیل که کردیم و این همه جلسه و مناظره که گذاشتیم کاری ندارم اما می‌دونین مشکل من توی این قضیه چیه؟ مشکل با فضای مجازیه که کلا کار نداره چه موضوعی مطرح شده، عادت داره به شکل حال بهم‌زننده ای بچپونه اون موضوع رو توی حلقه و بگه اینو بگو! قضیه از اینجا شروع شد که ما صبح بلند شدیم گفتیم اینستارو چک کنیم و عکس دوتا ازدوستامو ببینم دلم باز شه یهوئی دیدم زرت و زرت داره پست میاد با عکس ترامپ و کلینتون که کپشن شده «واای فقط چندتا الکتراال دیگه مونده»، «جدی جدی داره رئیس جمهور می‌شه»، «آخرالزمان نزدیکه» و «hillary you are my president» و مردم از در و دیوار همچین ابراز نگرانی می‌کردن از رئیس‌جمهور شدن ترامپ که انگاری دونه دونه‌ی تاثیرات سیاست‌گذاری های آمریکارو بر کشورهای منطقه در چهار دهه‌ی اخیر بررسی کرده بودن! در صورتی که نهایتا چهارتا عکس از ملانی رو لایک

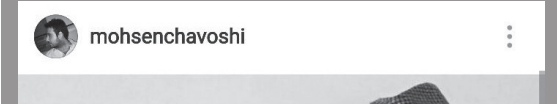
در حوالی اینستاگرام



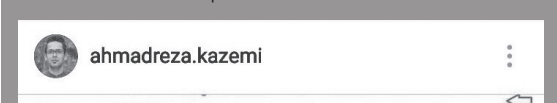
«آیا خراسان قصد جدایی از ایران دارد؟» سوالی که عبدالله رمضان‌زاده، فعال سیاسی اصلاح طلب با ۱۹ هزار فالور به دنبال لغو سخنرانی علی مطهری پرسیده است.



«زندگی زیباست ای زیباپسند/ زنده اندیشان به زیبایی رسند» استاد ابتهاج در باغ موقوفات مرحوم استاد افشار، ۱۱۱ هزار نفر دوستدار استاد در اینستاگرام هستند.



محسن جاووشی خواننده محبوب در کنار رضا عطاران بازیگر محبوب. جاووشی در اینستاگرام ۳۴۶ هزار هوادار دارد.

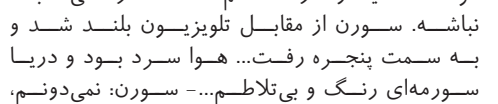


«محمود که آمار می‌گرفتی همه عمر» عنوان این طرح طنز احمدرضا کاظمی طنزپرداز است. ۱۰ هزار نفر طرهای او را در اینستاگرام دنبال می‌کنند.

لالی و نمی‌فهمی و... این دسته همون‌هایی هستند که تا همین چند وقت پیش از «آلودگی هوای تهران، حقوق معوقه‌ی معلمان، حق خورده‌شده‌ی بچه‌ها توی المپیک ریو، کمپین یک قطره آب و...» می‌گفتن و می‌نالیدند و حتما هم در نمایشگاه مطبوعات و یا یک کتاب فروشی در روز کتاب کتابخوانی یک عکس دارند! حالا یکی نیست بگه آخه مشتت ما هشت سال رئیس‌جمهورمون احمدی نژاد بود و چپ و راست داریم از خودی گل می‌خوریم! پس دیگه چه نیازی به ترامپ و یا هر کس دیگه داریم وقتی واحد اختلاس توی مملکتون هزار میلیارده! خلاصه که کلا فضای مجازی شده یک جا برای عرض اندام کسانی که طولی نداره باورها و حرف‌ها و عقایدشون. اما بیایم ما هم توی این موج نریم و ما هم آب توی آسیاب لات‌بازی مجازی نریزیم و در خصوص هر موضوعی اظهار نظر تخصصی نکنیم و یا به قول شمس مغربی: قطره‌ای از قعر دریا دم مزن/ ذره‌ای از مهر والا دم مزن
مرد امروزی، هم از امروز گوی/ از پری و دی فردا دم مزن
چون نمی‌دانی زمین و آسمان/ بیش از این از زیر و بالا دم مزن
چون اصول طبع موسیقیت نیست/ از تنا و نا و تانا دم مزن

کرده بودن!! والا خدا شاهده هنوز جواد طباطبایی، صادق زیباکلام و جلائی پور و امثالهم تحلیلی ننوشته بودن که از حداقل ۱۰ تا از اطرافیانم ابراز نگرانی دیده و شنیده بودم!! حالا این دوستان همیشه حاضر در صحنه دو دسته اند. دسته‌ی اول اونایی هستند که تا دیروز عکس صورت مخرج ملت و لایک می‌کردن و زیرش کامنت می‌نوشتن: «فروردینی/ ۷۸ ای پایه/مشهد/تلگرام بیو» بعد الان رفتن زیر عکس ترامپ کامنت گذاشتن: «بار دیگر جامعه‌ی مبتذل آمریکا دنیا را به سخره گرفت» بعدش هم صاحب پست هم اومده ریپلای زده: «متأسفانه همینطوره؛ ما زیاران چشم یاری داشتیم/خود غلط بود آنچه می‌پنداشتیم» دسته‌ی دوم هم آدم‌هایی هستند دقیقا مثال نقض این بیت از حافظ که می‌گه: «نیست در دایره یک نقطه خلاف از پس و پیش/ که من این مسئله بی‌چون و چیرا می‌دانم» این بنده‌های خدا دقیقا همون نقطه‌های پس و پیش شده‌ی دایره‌ی هستی‌اندینی اصن شما هرطوری حساب کنی نمی‌تونی بفهمی که این بنده خدا چرا معروف شده یا هرطوری طول و عرضش رو جمع و تفریق می‌کنی می‌بینی اینقدر نباید معروف می‌شدند! اینا چون معروفن یک احساس مسئولیت ویژه‌ی می‌کنن که در خصوص هر مسئله‌ای که بهشون مربوط نیست اظهار نظر کنن یعنی اینا کلا چارچوب ذهنیشون اینه که اگر توی تایم لاینشون عکس از موضوع داغ روز نباشه بهشون می‌کن

داستان کوتاه دنیا زیر پای دونالد جی ترامپ!



غزل عرفانی
کارشناسی پژوهشگری علوم اجتماعی ۹۱

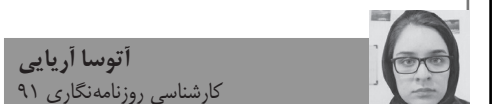
امروز توکیو ژاپن (بازار بورس): معرفی می‌کنم: رئیس‌جمهور ایالات متحده دونالد جی ترامپ! - جونو: تو نظرت چیه من؟ - من: نظری ندارم...
- جونو: نگاه کن اینجاس! تو مانیتورا قراره ازین به بعد زیاد ببینمش. من که امروز سرمایه‌گذاری نمی‌کنم! - من: همش شعاره! تترس، هیچ کاری نمی‌تونه بکنه! من سرمایه‌گذاری می‌کنم، چقدر دیدش گرفتی! من یک تن سیمان می‌خرم
امروز حلب سوریه: - مامان مامان! ترامپ رئیس‌جمهور شد! - مامان: عبدالله مگه من نگفتم از خونه بیرون نرو؟ - عبدالله: ترامپ رئیس‌جمهور شد! - مامان: ترامپ کیه؟ خب ینی چی؟ می‌تونه جلوی جنگ و بگیره؟ - عبدالله: خیلی پولداره، یه هواپیمای شخصی داره! یه دختر هم داره، دخترش مدله! مادر توگوشی‌ای به عبدالله زد... عبدالله دستش را روی صورتش گرفته بود...
امروز استانبول ترکیه: - سورن: احمد؟ احمد؟ بیا! - احمد: چیه؟ چی شده؟! سورن از جایش بلند شده بود و بهت‌زده دست‌هایش را مقابل دهانش گرفته بود، زل زده بود به قاب تلویزیون - سورن: وای خدای من! باورم نمی‌شه! این یارو؟ آمریکایی‌ها به این رای دادن؟ باورم نمی‌شه! - احمد: اون یارو؟ ترامپ! - سورن با بهت‌زدگی سرش را به نشانه‌ی تایید تکان می‌دهد - احمد: خب اصلا چه فرقی می‌کنه؟! نگاه تند سورن از مقابل



با خوانندگان

نشریه وقایع اتفاقیه، با کمال میل پذیرای نقد و نظرات شما در خصوص تمامی بخش‌های نشریه از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۷۶۵۰۰۵۷۴۳ می‌باشد. ضمنا، در صورت داشتن هرگونه پیشنهاد و نظری در رابطه با موضوع نگاه ویژه این شماره (ترامپ‌سیسم)، از طریق سامانه پیامکی مذکور ما را همراهی نمایید.

معرفی کتاب هیتلر در سال ۲۰۱۱



آتوسا آریایی
کارشناسی روزنامه‌نگاری ۹۱

هر واقعه یا رویدادی که اهمیتش سبب ماندگاری همیشگی‌اش در تاریخ می‌شود، با شخصیت‌هایی شناخته می‌شوند که به آن رویداد معنا بخشیدند. جنگ جهانی دوم، پیشوای رایش، نژاد برتر، هولوکاست، کشتارهای دسته جمعی و حتی کواکین، همه و همه با یک نام پیوند می‌خورند: هیتلر... حالا تصور کنید با تمام پیش‌زمینه‌های ذهنی که از این شخصیت دارید و با هر آنچه که تاکنون درباره‌اش شنیدید قرار است خداحافظی کنید. چون هیتلر در سال ۲۰۱۱ دیگر آن هیتلر جنگ جهانی دوم نخواهد بود. حالا سلام کنید به هیتلری که یک صبح تابستان چشمهایش را می‌گشاید و خود را میان زمینی خشک در حاشیه شهر برلین می‌بیند. او هنوز همان تصور هیتلر سال‌های جنگ دوم را از خود در ذهن دارد، ولی مردم جور دیگری درباره‌اش فکر می‌کنند. این تضاد سرآغاز ماجرای مهیج، باطنزی گزنده است که اگر آن را به دست بگیرید خدا می‌داند کی و کجا آن را زمین بگذارید! «تیمور ورمش» نویسنده و روزنامه نگاری که خالق این رمان جذاب است بارها به خاطر خلق این رمان و شخصیت استثنایی هیتلر در برلین کنونی، مورد تشویق منتقدان قرار گرفته است. در اولین سال انتشار رمان «او بازگشته است»، بیش از یک میلیون و دو بیست هزار نسخه چاپی از این کتاب فقط در خود برلین به فروش رفت. خوشبختانه این کتاب استثنایی به همت مهشید میرمعززی توسط انتشارات نگاه به فارسی ترجمه شده است. اگر به دنبال کتابی می‌گردید که مرز میان تخیل و واقعیت را درهم‌شکند و شما را قدم به قدم با هیتلری در جهان کنونی پیش ببرد و آشنا کند پس تردید جایز نیست.

